

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

چاپی و الکترونیکی
فارسی و انگلیسی

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی
در راستای تشکل و آغازی برای کارگران

پیام سندیکا

شماره ۴۴

سال ششم / بهمن ۱۳۹۴

نشریه سندیکاهای کارگری ایران

جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشش
بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات
لازم برای تشکیل خانواده برای همه

بند اول اصل ۴۳ قانون اساسی



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات

تأسیس: ۱۳۴۸



اتحادیه
نیروی کار
پروژه ای

سپریام

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری
گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا
حمله به دستاوردهای زحمتکشان
گزارش به نشست دوره ای اتحادیه های کارگری خودرو سازی جهان در اسپانیا
تحویل واحد های مسکن مهر گشور در چه زمانی؟
چه می دانیم؟ و چه بگوییم؟

مقاله ای از حسین امیدی عضو سندیکای کارگران نقاش
اثر بخش اعتصابات کارگری

اصلاح ساختاری روابط کار و مبارزه برای طرح متقدم طبقه بندی مشاغل
ادغام نظام بیمه های درمانی یا انحلال ییمه تامین اجتماعی
مساحبه خبرگزاری ایلان باعبدالله وطنخواه کارگر فائز کار
سواجح کار یا قتل عمد کارگران؟

جامعه مدنی چیست؟

محدودیت کار سندیکا

فضیلت

عدنان بزرگ مرد کوچک

کشاورز نموده

زفی ایستاده با عشق

آزاده شمس راننده ماهر و شجاع تریلر اسکانا
به خاطره دکتر بروانه وثوق
کنکره جهانی زنان کارگر
بروانه کاظمی، فاتح اورست

پیام سندیکا

ماهانه خبری - تحلیلی کارگری



نشریه درونی سندیکاهای کارگری ایران
کاری از کارگران سندیکایی ایران
بر اساس منشور جهانی سندیکاهای کارگری
در راستای تسلی و آگاهی برای کارگران
از مهر ۱۳۹۰ / چاپ تهران (جایی و الکترونیکی)

پیام سندیکا

<http://vahedsyndica.com>
vsyndica@gmail.com
s_felezkar@yahoo.com
sfelezkar1961@gmail.com
www.sfelezkar.com
irunionmessenger@gmail.com

سرپیام

کارگران بسیاری از ما می پرسند اکنون با رفع رسمی تحریم ها چه خواهد شد؟ پولهای بلوکه شده که حالا آزاد شده اند به چه مصرفی خواهد رسید؟ دستمزدها و مسایل کارگری به چه سمتی خواهد رفت؟

آنچه این روزها از دولت و کارفرمایان سر می زند بهترین تحلیل برای توضیح پرسش های بالاست. سالهاست حقوق کارگران به عقب می افتد و کارفرمایان با سود دستمزدهای نپرداخته به کارگران به درآمدی قابل توجه رسیده اند و این به یکی از شکردهای کارفرمایان تبدیل شده است. بعضی از آنان هم در ماههای آخر قراردادشان با کارگران سنتات و بیمه کارگران و دستمزدشان را نمی پردازند. کافی است به خبرهای هر روزه از عسلویه و مناطق نفت خیز و فازهای ۲۳ و ۲۴ و ۱۹ توجه کنیم که هر روز کارگران یک فاز به دلیل پرداخت نشدن حقوق چند ماه اشان دست به اعتصاب می زند. حتا شهرداری تهران هم از پرداخت حقوق یکماه عقب افتاده رانندگان شرکت واحد طی دوماه آذر و دی خودداری می کند. در آخرین خبر عقب افتادن ۵ ماهه حقوق کارگران صداری بهشهر را می توان ذکر کرد. از طرف دیگر بیکارسازی و بستن کارخانه های مختلف، نشان از رویکرد دولتها در این زمینه دارد. امسال ۳۸ واحد تولیدی دیگر در استان همدان بسته شدند. در همین حال فشار بر کارگران برای عدم اعتراض به ظلم های کارفرمایان هر روز بیشتر می شود. کارفرمای نیرپارس به کارگران فشار می آورد تا وضعیت استخدامی شان را به نفع خود تغییر بدهد. مدیر کارخانه پلی اکریل اصفهان حقوق کارگران را پرداخت نمی کند در عرض آن ها را به بانک وام بگیرند و بعد با دستمزدشان اقساط این وام را پرداخت کنند. پررویی تا چه حد؟

نماینده گان کارگران جان به لب رسیده سیمان درود را که مسؤول کانون شوراهای اسلامی کار استان و اعضای شورای اسلامی کارخانه نیز در بین شان است به تعداد ۱۲ نفر دستگیر می‌کنند و پس از ۵ روز تازه با وثیقه آزاد می‌کنند تا بعد مانند^۹ نماینده کارگران معدن بافق به دلیل اخلال در نظام و جلوگیری از تولید به دادگاه انقلاب ببرند. کارگران عسلویه در فاز های ۲۳ و ۲۴ که ۵ ماه حقوق نگرفته اند، اعتراض کرده و توسط پلیس دستگیر می‌شوند و سپس با هماهنگی با کارفرمایان از منطقه عسلویه اخراج می‌شوند و یا بقول کارگران بلک لیست می‌شوند و دیگر تا آخر عمر نمی‌توانند به عسلویه برگردند. در تهران رادیو لوزیست ها اعتراض می‌کنند و بازداشت می‌شوند. کارگران سندیکایی همچون ابراهیم مددی که سازماندهنده اعتراضات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است را به دادگاه انقلاب می‌برند تا به زندان برگردانند و کارگران از داشتن چنین رهبر کارآزموده ای بی‌نصیب و بی‌یاور بمانند. همه این برخورد ها دارای پیامی است برای کارگران ایران:

ظلم و رنج بیشتر برای خانواده های زحمتکشان. مهیا کردن کارگرانی مطیع برای کارفرمایان

در برنامه توسعه ششم موادی را برای کم کردن دستمزد کارگران گنجانده بودند تا کارفرمایان با اخراج کارگران قدیمی و استخدام کارگران زیر ۲۹ سال بتوانند ۷۵ درصد حداقل حقوق را به این جوانان بدهند. و یا سن بازنیستگی را به ۶۵ سال برسانند. که با اعتراض جنبش کارگری عقب نشینی کرده و این مواد را حذف کردند.

از طرف دیگر با اعلام تورم ۱۳ درصدی می‌خواهند حقوق کارگران را به همین مقدار افزایش دهند. جلسات ستاد ویژه دستمزد در خاموشی کامل برگزار می‌شود و حتا به خبرنگاران هم توضیحی داده نمی‌شود. افزایش حقوق کارمندان و بازنیستگان را ۱۲ درصد اعلام می‌کنند تا کارگران آماده گی ذهنی برای همین مقدار افزایش حداقلی باشند. در حالی که نوبخت معاون

رییس جمهور از افزایش حقوق کارکنان حاکمیتی به ۳۵ درصد سخن می‌گوید. احتمالاً شکم این افراد از شکم خانواده‌های زحمتکشان بزرگتر است که باید این مقدار افزایش پیدا کند.

رییس جمهور مژده‌ای هم به مردم داده است که پس از رفع تحریم‌ها آموزش و پرورش و بهداشت به بخش خصوصی واگذار خواهد شد. یعنی از این پس «پول داری درمان شو، نداری بمیر» شعار بیمارستان‌ها خواهد بود. «پول داری درس بخوان، نداری به ارتش بیکاران ملحق شو» هم شعار مدارس. نمی‌دانیم آقای رییس جمهور که در آلمان مدتی زندگی می‌کرده است در آن کشور ندیده که بهداشت و سلامت مردم را نباید به دست سودجویان داد. روحانی در اروپا چه درسی خوانده است که این چنین به مردم کشورش ظلم روا می‌دارد؟

چرا دولت به کارفرمایان فشار نمی‌آورد تا حقوق ناچیز کارگران را به موقع بدهند؟ چرا به مجلس نمی‌گوید که قانونی تدوین شود برای کارفرمایانی که حقوق کارگران را دیر پرداخت می‌کند جریمه ای تعلق بگیرد؟ آیا اقتصادنما دولت کم شدن قدرت خرید مردم را نمی‌بینند و یا نمی‌خواهند ببینند؟ چرا دولت به وزیرکارش نمی‌گوید عوض این سمنیار و آن جلسه، برو ببین کارگران چه می‌گویند و مشکلشان را حل کن؟ چرا به دادگستری و وزارت اطلاعات دستور نمی‌دهد تا در اختلاف کارگران و کارفرمایان دخالت نکنند؟ چرا دولت می‌خواهد بهداشت و آموزش و پرورش را برخلاف قانون اساسی پولی کند و از وظیفه خود که رایگان کردن بهداشت و آموزش است شانه خالی می‌کند؟

خواهان و برادران کارگر خود قضاوت کنید که پس از تحریم‌ها چه برسر ما خواهد آمد. تحریریه پیام سندیکا

۲۲ بهمن دیگری در راه است!

۱۱۰ سال از خواست برابری، برادری و انقلاب مشروطیت و ۳۷ سال هم از روزی که مردم، رژیم فاسد و آدمکش پهلوی را سرنگون کردند، می‌گذرد.

ما خواستار عدالت و دستیابی همه مردم از ثروت ملی بودیم. ما خواستار تغییر مجلس فرمایشی و بله قربان گو به مجلسی که همه مردم بتوانند انتخاب کنند و انتخاب شوند، بودیم. ما خواستار آزادی بیان و پس از بیان بودیم. ما خواستار لغو شکنجه و دستگیری افراد برای ابراز عقیده ای مخالف حکومت بودیم. ما خواستار آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری و احزاب بودیم. تا نظارت بر دولت، قوه قضائیه، مجلس و پاسخگو بودن این نهادها در مقابل مردم، بودیم. ما خواستار رفع بیسوادی، فقر و رفاه برای همه مردم بودیم.

ما هنوز هم خواستار عدالت خانه ای مستقل از قدرت حاکمه و مجلسی مستقل و نمایندگانی شجاع و خواستار تحقق آرمان های انقلاب ۵۷ هستیم.

حیدرخان عماد غلی مهندس برق، سید محمد دهگان رئیس اتحادیه های کارگری ۱۳۰۱، سید جعفر پیشه وری مدیر روزنامه حقیقت ارگان اتحادیه های کارگری ۱۳۰۱، سید محمد تنها مسؤول اتحادیه بافندهان اصفهان ۱۳۰۷، علی امید رئیس شورای متحده مرکزی رژمتکشان خوزستان ۱۳۲۵، وارطان سالاخانیان کارگر کفash ۱۳۳۲، اسکندر صادقی نژاد- جلیل انفرادی- ناصرگارسچی اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۴۵، محمد جانچانیان عضو هیات مدیره سندیکای کارگران بافتده سوزنی ۱۳۵۷، هدایت الله معلم کارگر آلمینیوم کار و عضو هیات مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ۱۳۶۲ کشته، آواره، بیکار و زندانی نشدند که نتویلیرالیسم در ایران حاکم شود.

اینان خواهان جامعه ای بدون فاصله طبقاتی، آموزش و پرورش - بهداشت- مسکن رایگان، آزادی فعالیت سندیکاهای کارگری و احزاب و نهادهای غیر دولتی بودند.

ما هنوز هم خواهان اجرایی شدن خواسته های انقلاب مشروطیت و بهمن ۵۷ هستیم و برایش مبارزه می کنیم و جان می بازیم. چون کشور کارگریمان ایران را آباد و مستقل می خواهیم. به آرمان های کارگریمان وفاداریم، چون آینده ای بدون فقر را برای فرزندانمان مهیا خواهیم کرد.

مازیار گیلانی نژاد عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

به محکمه و پیگرد کوشندگان سندیکایی پایان دهد!

فردا با دادگاهی کردن آموزگاران کانون صنفی معلمان ایران آقایان محمدرضا نیک نژاد، محمود بهشتی لنگرودی، مهدی بهلوی در دادگاه انقلاب در روز ۱۳ دیماه و همچنین احضار کوشندگان سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران آقایان ابراهیم مددی رئیس هیات مدیره و داود رضوی عضو هیات مدیره سندیکا به دادگاه انقلاب در روز ۲۳ دیماه، همچنین هشت ماه حبس تعزیری از طرف شعبه دو دادگاه انقلاب تبریز برای علی فائض پور که پس از مراسم خاکسپاری شاهرخ زمانی بازداشت شده بود، بار دیگر حذف سازماندهندگان تشکلهای صنفی در دستورکار محاکم قضایی قرار گرفته است.

در حال حاضر محمد جراحی از سندیکای کارگران نقاش تهران، بهنام ابراهیم زاده کوشنده کارگری، جعفر عظیم زاده از اتحادیه آزاد کارگران ایران، رسول بداقی و اسماعیل عبدی و علی اکبر باغانی اعضای هیات مدیره کانون صنفی معلمان ایران کوشندگانی هستند که به دلیل سازماندهی اعتراضات صنفی در زندان به سر می برند.

ما این موج دوم احضارها را اجرای دستورات صندوق بین المللی پول در راستای حذف قوانین حمایتی از کارگران بخصوص قانون کار و سازمان تامین اجتماعی دانسته و همچنین آماده سازی کارگر ارزان و مطیع برای سرمایه داران ایرانی و خارجی می دانیم. به همین دلیل است کوشندگانی که مطالبات رحمتکشان را سازماندهی کرده اند را می خواهند به بند بکشند تا بتوانند اعتراضات رحمتکشان را مهار کنند. احضار ابراهیم مددی خوشنام ترین سازمانده کارگری آیا جز خالی کردن عرصه برای تصویب دستمزدی خفت بارتر و اجرای تبصره ۳۳ لایحه برنامه ششم توسعه با خارج کردن کارجویان زیر ۲۹ سال از شمول قانون کار، نیست؟

محدود کردن هرچه بیشتر سندیکاهای کارگری و آموزگاری بر ضد منافع زحمتکشان و امنیت ملی و زیر پا نهادن اصول قانون اساسی است و از نظر ما غیرقانونی است. برای سد کردن این روند ضد کارگری جز متعدد شدن چاره‌ای نداریم.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

۱۲۹۴/۱۰/۱۲

«با مبارزه گسترده و سازمان یافته مردمی و تنها با وادار کردن سد کنندگان آزادی‌های تاکید شده در قانون اساسی، به عقب نشینی می‌توان راه تحولات پایدار و به نفع زحمتکشان در میهن مان را هموار کرد.»

«سندیکاهای کارگری برای آموزش و پرورش رایگان، بهداشت رایگان، مسکن رایگان، ورزش رایگان و همگانی، طبق قانون اساسی می‌کوشند.»

زحمتکشان متعدد شویم!



اطلاعیه انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس

انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس مستقر در معدن سنگ آهن چادرملو با صدور بیانیه‌ای مخالفت خود را نسبت به کلیت لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه اعلام داشته‌اند.

در این بیانیه با اشاره به تبصره ۳۳ این لایحه مبنی بر پرداخت ۷۵ درصد حداقل دستمزد به کارجویان زیر ۲۹ سال آمده است: «اگر قرار باشد فردی به مدت ۲ سال به عنوان کارآموز با ۷۵ درصد مزد وارد بازار کار شود، دست کارفرما را برای به کارگیری نیروهای جدید باز گذاشته و این مجوز را به کارفرما می‌دهد که با ایجاد رقابت در مشاغلی که به تخصص کمتری نیاز است کارگران کم تخصص و بالای ۲۹ سال سن را مجبور به رضایت برای دریافت مزد کمتر از ۷۵ درصد کند که این لایحه برخلاف تبصره ۱۱ ماده ۱۱ و همچنین تبصره ماده ۴۱ قانون کار می‌باشد.»

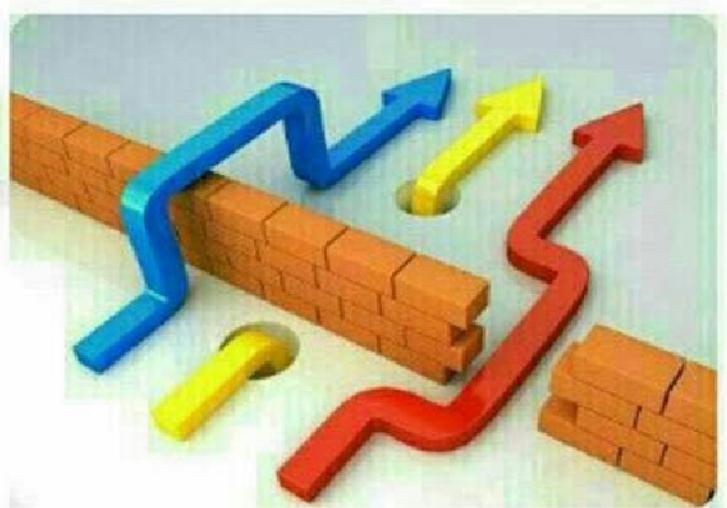
در بیانیه انجمن صنفی در رابطه با پیش‌بینی افزایش سن و سابقه بازنشستگی در این لایحه آمده است: «شده با تصویب این قانون، بازنشستگی بیش از موعد به کلی منوع می‌شود که با تصویب آن کارگرانی که در شرایط کار سخت قرار دارند در حق آنان اجحاف شده و همچنین مانع مشکلی در مسیر اشتغال جوانان است. متوسط کار در ایران ۴۲ سال است و هزینه اصلی صندوق‌های بیمه‌های بازنشستگی نیز متوجه بیمه‌پردازان است بنابراین دولت نباید حقوق کارگران را به بهانه اجرای لایحه برنامه‌های توسعه پایمال کند.»

در پایان این تشكل کارگری ابزار امیدواری کرده است که با اتحاد هرچه بیشتر کارگران و با اتکا به امکانات و راه حل‌های قانونی بتوان از تصویب لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه جلوگیری کرد.

«سندیکای کارگران فلزکار مکانیک از بیانیه انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوس حمایت کرده و امیدواریم که بتوانیم همکاری سازنده ای با این انجمن داشته باشیم.»

روابط عمومی سندیکی کارگران فلزکار مکانیک ۹۴/۱۰/۱۵

برای انسان های بزرگ، بن بستی وجود ندارد
زیرا آنها بر این باورند که
یا راهی خواهند یافت یا راهی خواهند ساخت.



جمع اعضای تعاونی مسکن شرکت واحد مقابله شهرداری تهران



صبح امروز سیزدهم دیماه چهل تن از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی که عضو تعاونی مسکن این شرکت هستند به دلیل تاخیر سه ساله در واگذاری مسکن، مقابل ساختمان شهرداری تهران تجمع کردند.

تعاونی مسکن شرکت واحد می باشد مسکن ۲۶۵ نفر از اعضاي تعاوني که در پروژ سپیدار ۲ و ۳ (فردیس کرج) عضو هستند را شهریور ماه سال ۹۱ به آنان تحويل می داد. با وجود اينكه کارگران تعهدات مالی خود را انجام داده اند و سه سال از مويد تحويل مسکن کارگران گذشته است، اين پروژه فقط چهل درصد پيشرفت داشته و چهار سال است که عمليات احداث آن موقف شده است.

کارگران در این تجمع شعارهای: مسکن ما رو آبه شهردار ما تو خوابه، کارگران بیدارند از حق کشی بیزارند، مدیر خیانت می کند شهردار حمایت می کند، کارگران بیدارند از دزدی ها بیزارند را فریاد زندن.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه

۱۳۹۴ دیماه



«سندیکاهای کارگری برای دستمزدی که با ۸ ساعت کار بتوان یک خانواده ۴ نفره را اداره کرد، می کوشند.

سندیکاهای کارگری برای مسکنی در حد نام و شخصیت کارگران با بودجه دولتی می کوشند. »

مسکن حق همه مردم و زحمتکشان است.



نامه زیر که از طرف فدراسیون جهانی اتحادیه های معلمان (فیس) منتشر شده به روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک رسیده است که متن اصل فرانسوی و ترجمه فارسی آن را به اطلاع خوانندگان می رسانیم.

رفقای عزیز کانون صنفی معلمان ایران

چند روز پیش خبری در یافت کردیم مبنی بر اینکه محمود بهشتی سخنگوی کانون صنفی معلمان ایران، برای سومین بار دستگیر و به ۹ سال زندان محکوم شده است. بدنبال این عمل خود سرانه او از اول ماه دسامبر دست به اعتراض غذا زده و زندگیش در خطر است.

ما با ارسال این پیام می خواهیم همبستگی خود را با محمود بهشتی سندیکالیست و فدراسیون معلمان ایران علیه این حکم خود سرانه ابراز داریم، و آرزو می کنیم که فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری تمام امکانات خویش را برای ازادی محمود بکار گیرد تا او بتواند از حقوقش همانگونه که در کنوانسیون حقوق بشر بیان شده است استفاده نماید.

با احترام ، دکتر حسن اسماعیل رئیس فدراسیون جهانی اتحادیه های معلمان (فیس)، عضو فدراسیون جهانی اتحادیه های کارگری

بیروت ۱۹ دسامبر ۲۰۱۵

Chers Camarades de la Direction de la Fédération des
Enseignants iraniens

Il y a quelques jours, nous avons reçu une information selon laquelle l'éducateur Mahmoud Bahachti, ancien porte-parole de la Fédération des enseignants iraniens, vient d'être arrêté pour la troisième fois et condamné à neuf ans. Suite à cet acte arbitraire et à la grève de la faim qu'il a commencé depuis le début du mois de décembre, sa vie est en danger.

Nous voudrions, par le présent message, exprimer notre solidarité avec le syndicaliste Mahmoud Bahachti et la Fédération des enseignants iraniens contre la condamnation arbitraire, espérant de que la FSM déploiera tous les efforts possibles auprès des autorités iraniennes dans le but de libérer Mahmoud et de lui permettre d'exercer ses droits tels qu'ils sont exprimés dans la Convention internationales des droits de l'Homme.

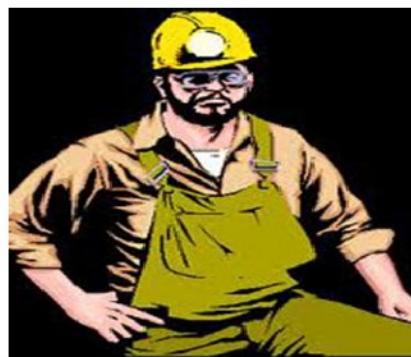
Avec mes respects

Hassan Ismaïl

Président de la FISE

Beyrouth, le
۲۰۱۰ décembre ۱۹

گزارش های خبرنگاران پیام سندیکا :



خبرنگار پیام سندیکا از هفت تپه گزارش می دهد:

۱۰۰۰ کارگر کارخانه کاغذ سازی کاغذ پارس از صبح امروز در مقابل کارخانه دست به اعتضاد زدند. این اعتضاد که در ادامه اعتضاد های قبل و به دلیل نگرفتن چند ماهه حقوق و رفتار ناپسند آقای مقدم مدیر عامل و صاحب کارخانه صورت گرفته است. کارگران بیش از ۵ ماه است که حقوقشان عقب افتاده و اعتراض هر کارگری به این رفتار هم با اخراج پاسخ داده خواهد شد. مدیر عامل کارخانه با پررویی تمام به کارگرانی که بیش از ده میلیون دستمزد طلب کارند مبلغ ۲۰۰ یا ۳۰۰ هزار تومان بطور علی الحساب می دهد. مناسفانه آقای درویشی نماینده انتصابی این کارگران که حتا به اجلاس سازمان جهانی کار هم رفته است ، برخوردي بی تفاوت نسبت به این احلاف و مشکلات کارگران دارد .



گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : پس از روشن نمودن چراگاه‌های اتوبوس‌ها در خط ۷ بی‌آر‌تی سامانه ۴ در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق آبان ماه، و اقدام حراست در برداشتن شماره پلاک اتوبوسهای معتبرض، مطلع شدیم که از ۳۴ راننده‌ای که ۱۲ ساعتی کار می‌کردند و معتبرض هم بودند ۲۳ نفرشان از کارکرد ۱۲ ساعتی محروم شده‌اند. این اقدام در جهت در مضیقه گذاشتن معیشت راننده‌گان معتبرض بوده تا آنان و دیگران را ترسانده و دیگر دست به اقدامات اعتراضی نزنند. این در حالی است که خط ۷ راه آهن به تجربیش از کمبود اتوبوس‌ها و ازدحام مسافر برخوردار بوده و این اقدام باعث فشار بر دیگر راننده‌گان خواهد بود که ازدحام مسافر در ایستگاهها را با افزایش کار خود جبران کنند.

خبر دوم: از توقفگاه غرب سامانه یک (استادیوم آزادی) خبر رسیده که این توقفگاه از نور کافی برخوردار نیست. نماز خانه فوق فاقد سیستم گرمایشی می‌باشد که برای راننده‌گانی که برای ادائی فریضه نماز به این نماز خانه می‌روند سردی هوا باعث عذاب گردیده است. همچنین این توقفگاه برخلاف توقفگاه دپو شرق از امکانات آب جوش برای راننده‌گان برخوردار نیست. تعمیرکاران سیار این منطقه هم فاقد اجناس اولیه برای رفع عیب اتوبوس‌ها می‌باشند که باعث معلقی راننده‌گان و تعمیرکاران سیار گردیده است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

خبر اول : یکی از مشکلات راننده‌گان سامانه یک اتوبوسرانی عدم رفع عیب اتوبوس‌های اعزامی به تعمیرگاهها است. طی مراجعات و پیگیری‌های مکرر این راننده‌گان با مسویین شرکت متسافانه این روند همچنان ادامه داشته بطوریکه اکثر راننده‌گان با مشکل فوق به اجبار کنار آمده اند چرا که هیچ گوش شنوایی نیست. این در حالی است که چنانچه اتوبوسی دچار خسارت

شود آقایان مسؤولین کاسه داغتر از آش می شوند و یادشان می رود که تعمیرگاههای زیر نظرشان از چه کمبود هایی برخوردارند.

خبر دوم : پیرو به تاخیر افتادن حقوق کارگران و رانندگان شرکت واحد در آذرماه که منجر به روشن شدن چراگهای اتوبوس و اعلام اعتراض رانندگان در خط ۷ سامانه ۴ گردید و سپس به سامانه ۹ و دیگر مناطق سرایت کرد، طبق روال همیشگی خودروهای گشت شرکت واحد که در راس آنها حراست حرکت می کرد با تردد در مسیر اتوبوسها و یادداشت پلاک خودروهای معتبرض در صدد ایجاد رعب و وحشت در میان این زحمتکشان بودند. جالب اینکه افرادی مبادرت به این کار کردند که خودشان هم حقوقشان پرداخت نشده بود. در ساعت ۱۲/۴۰ دوشنبه اول دیماه مدیر و معاون بهره برداری سامانه یک با حضور در پارک سوار آزادی در جمع رانندگان معتبرض خواستار صبر و تحمل این رانندگان بودند. آقای هاشمی مدیر سامانه با لبخندی ملموس عنوان کردند که: «در شب یلدا دعا کنید که حقوق ها واریز شود.» براستی آقای هاشمی که به تازه گی خودروی پرشیای خود را به آزاروی سفید رنگ تبدیل نموده همچون رانندگان با جیب خالی شب یلدا خود را سپری کردند و با دست خالی به خانه رفتند؟ آیا ایشان که به تازه گی به کربلا مشرف شده بودند فلسفه و هدف امام حسین را در این سفر درک کرده اند؟ ما قضاوت را به خوانندگان عزیز واگذار می کنیم.

ایشان برخلاف مصاحبه ها و عکس های ارسالی اشان از این سفر معنوی هدفی جز خودنمایی چه می تواند باشد؟ آیا پیگیری حقوق زحمتکشان شرکت واحد واجب است یا احداث سرپناهی برای خودروی آزاروی خود؟

خبر سوم : طی روال سالهای گذشته در ایام اربعین مسؤولیت جابجایی بخشی از زائرین کربلا به عهده شرکت واحد و رانندگان سخت کوش بوده است. به روایت رانندگان اعزامی به این ماموریت در مسیر رانندگان از امکانات ناچیزی برخوردار بوده اند از آن جمله محل استراحت رانندگان. بطوریکه

رانندگان با جمع آوری امضا و اعتراض به مشکلات بوجود آمده پس از بازگشت به ایران پیگیر اعتراض خود شدند. مسؤولین سامانه یک با برگزاری جلسه ای میان معتبرین و دادن یک وعده غذا خواستار پیگیر نشدن رانندگان از وضع بوجود آمده شدند.

شاید موضوع مهمتر این باشد که آیا اتوبوسهای حامل زائرین که توسط شرکت واحد به این امر اختصاص داده شده است از اینمی و استاندارد کافی برای این طی مسیر برخوردار بوده است؟ فرستادن رانندگان متخصص درون شهری به جاده ها از کدام یک از ضوابط اینمی حمل و نقلی پیروی می کند؟

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد:

در یک اقدام غیرمنتظره در شرکت واحد، مدت ۳ روزه است که سامانه ۹ شرکت واحد از توزیع تغذیه روزانه (شیر و کیک) میان رانندگان و کارگران بنا به دلایل نامعلوم خودداری نموده است. ۹۴/۱۳

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از شرکت واحد :

طبق گزارش رسیده از تعمیرگاه سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به علت فقدان لوله کشی گاز و همچین نبود گازوییل ، کارگران فنی این تعمیرگاه از داشتن حمام محروم شده اند. این کارگران مکانیک می باشند پس از خاتمه کار برای زدودن آلوده گی ها به حمام بروند. همچنین به علت تمیز نکردن سرویس های بهداشتی این تعمیرگاه، کارگران از باید بوی بد و کثیفی را هم در این سرویس های بهداشتی تحمل کنند.

در ضمن مدت دو روز از پرداخت حقوق ماهیانه آذربایجانی گذرد و هنوز شرکت واحد اقدامی برای پرداخت حقوق نکرده است. آیا باز هم شاهد روشن شدن چراغ های اتوبوس ها به نشانه اعتراض خواهیم بود.



برای خبرهای داغ تر با ما باشید.

آدرس سایت دو زبانه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

Sfelezkar.com

آدرس تلگرام سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

✓ [https://telegram.me/joinchat/B
yJg9U2SQdAsghQGMHkHI](https://telegram.me/joinchat/ByJg9U2SQdAsghQGMHkHI)

برای مطالعه مقالات و خبرهای کارگری بفرستید

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از صنایع خودرو سازی:

صنایع خودرو سازی یکی از منابع مهم مالی و اقتصادی دولت است و به همین دلیل فساد و حیف و میل در این صنایع بیداد می کند. این صنایع که بدون نظارت نهادهای مردمی مشغول فعالیت هستندها تولید خودروهای بی کیفیت و گران فروشی روزگار می گذراند. پول این گران فروشی ها به چه مصارفی می رسد؟ در ایران خودرو با بت تولید هر خودرو بسته به نوع خودرو حداقل ۲ میلیون ۷۰۰ هزار توان سهم سازمان ارزش افزوده است به آموخت و پروش و نوسازی صنایع حداقل ۴ میلیون ۹۰۰ هزار توان کنار گذاشته می شود. سهم راهنمایی و رانندگی برای پلاک کردن و یا در حقیقت رشه برای شماره گذاری خودروهای بی کیفیت و آلوده کننده محیط زیست پرداخت می شود که محترمانه است در ایران خودرو بیش از ۱۰ هزار نفر بدون حضور در کارخانه حقوق های بیش از ۱۰ میلیون تومان دریافت می کنند که باز هم این لیست محترمانه است که این در همه کارخانه های خودرو سازی امری عادی است. مهندسین میانی بیش از ۵ میلیون تومان در ماه و مهندسین رده بالای ایران خودرو که بیشتر تحمیلی هستند تا کارکردی به سود کارخانه داشته باشند ، از ۱۰ میلیون تا ۵۰ میلیون حقوق می گیرند. هیات مدیر و مدیران ارشد و مدیر عامل بطور میانگین ۸۰ میلیون حقوق دریافتی اشان است. از وام های ۵۰۰ میلیونی مدیران با اقساط ۱ میلیونی تا پاداش و هدیه های جور اوجور که از ویلا تا ماشین و سفرهای خارج و ماموریت های چندده میلیونی و گرفتن رشه های گوناگون برای بستن قراردادهای ایران برآباده چه بگوییم. فقط پاداش سالیانه این مدیران و هیات مدیره ها به اندازه یک ماه هزینه های ایران خودروست که باید به مبلغ فروش یک خودرو اضافه شود .

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از صنایع خودرو سازی:

کارخانه ساپکو یکی از کارخانه های زیرمجموعه ایران خودروست که تامین کننده قطعه برای این شرکت است. در شرکت ساپکو ۷۰ درصد مهندسین تحملی بوده و هیچ تناسبی با شغلی که اشغال کرده اند ندارند، چه به لحاظ دانش و چه به لحاظ لیاقت شغلی. این مهندسین بیشتر از طرف افراد با نفوذ در ارگان های دولتی به این کارخانه ها تحمیل شده و باید در آنجا شاغل باشند. یکی از مشکلات کارخانه های تولیدی خودرو سازی قادر اداری است که به کاغذ بازی مشغولند و فقط با توصیه در این واحدها مشغول کارند و به جز ول گشتن و جا اشغال کردن و پول مفت گرفتن و به زیرآب زدن کارگران و همکاران خود کار دیگری ندارند. تغییر مدیران و هیات مدیره های نالایق تاثیری در روند شرکت های خودرو سازی ندارد، چرا که بار اصلی تولید بر دوش کارگران و مهندسین با داشت است. کارخانه ساپکو با تولید قطعاتی که به لحاظ بی کیفیتی به سفارش ایران خودرو تولید می شود سهم به سزاگی در تولید محصولات معیوب ایران خودرو دارد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از صنایع خودرو سازی:

سودهای نجومی صنایع خودرو سازی در گرانفروشی ناجوانمردانه به خردیاران و ندادن دستمزد به حق کارگران و افزایش سرعت خطوط تولیدی و پرداخت نکردن بدھی خود به قطعه سازان نهفته است.

در طی ۴ سال کارخانه های خودرو سازی با پرداخت نکردن بدھی های خود به قطعه سازان نه تنها باعث نابودی بخشی از صنعت شده اند بلکه باعث بیکاری ۳۰۰۰ کارگر و تعطیلی بیش از ۱۰۰۰ کارگاه قطعه سازی شدند. در

حال حاضر کارخانه های خودرو سازی ۳۰۰۰ میلیارد تومان به قطعه سازان بدهکارند. کارخانه های خودرو سازی که به خرید و فروش زمین، ویلا، ماشین مشغولند و به مافیایی در این عرصه تبدیل شده اند، در بیشتر اوقات به جای پرداخت بدھی خود به قطعه سازان زمین و یا ویلا و یا ماشین های راهسازی پیشنهاد می کنند. اغلب این پیشنهادات بسیار بیشتر از ارزش واقعی کالای پیشنهاد شده است. قطعه سازان برای دریافت بخشی از بدھی خود مجبور به قبول این پیشنهادات هستند. هرچند که این دریافت بدھی هم باید همراه با رشوه به مدیران مالی و حسابداران این کارخانه ها صورت می گیرد تا روند سریعتری به خود بگیرد.

با این روند است که کارگاههای قطعه سازی روز به روز به نابودی نزدیکتر می شوند. بسیاری از قطعه سازان از سال ۹۰ از کارخانه مگاموتور طلبکارند. شرکتی مانند حدید تاکنون نتوانسته طلب خود را وصول کند. البته یکی از شگردهای کارخانه های خودرو سازی این است که وقتی قطعه سازی از تولید دست بکشد طلب های او را نخواهد داد و این باعث می شود که خودرو سازان در گردابی که دلالان برایشان تدارک دیده اند غرق شوند. یا باید برده وار کار کنند و هرگاه کارخانه های خودرو سازی تمایل داشتند بدھی اشان را بدهند و یا اینکه از بدھی خود صرف نظر کرده کارخانه را بفروشند و بروند. با این روند نابودی هر کارخانه قطعه سازی، رونقی برای دلال ایجاد خواهد کرد برای واردات قطعات بیشتر. و برای واردات هر قطعه رشوه های خوبی خواهد گرفت. و دو سر سود می کند. اکثر مدیران و اعضای هیات مدیره های کارخانه های خودرو سازی، شرکت های واردات قطعه تاسیس کرده اند.

در سالهای گذشته شرکت های خودرو سازی گاه با فشار روز افزون قطعه سازان روبرو می شد و به بانکی دستور می دادند تا به کارگاه قطعه ساز وام بدهد. هر چند که وثیقه این وام را خود قطعه ساز تامین می کرد و بهره بانکی

اش را هم پرداخت می نمود. بارها ساپکو و مگا موتور از این امتیاز استفاده کردند. اما چند سالی است که مافیای خودرو ساز این به اصطلاح امتیاز را هم از قطعه سازان طلبکار دریغ کرده است.

مافیای خودرو ساز با همدمتی سرمایه داری تجاری ، به مافیایی خطرناک برای صنعت خودرو سازی و اقتصاد کشور تبدیل شده است.

منبع سایت سندیکای کارگران فلزکار مکانیک sfelezkar.com

انجمن صنفی کارگران آسفالت طوس چادرملو :

انتخابات هیات مدیره به زودی برگزار می شود

به گزارش ایننا، هیات مدیره کارگران آسفالت طوس با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که مجمع عمومی و دومین دوره انتخابات هیات مدیره این نهاد کارگری در ماه آینده برگزار خواهد شد.

در این اطلاعیه آمده است: دومین دوره هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران شرکت آسفالت طوی در تاریخ بیستم بهمن ماه راس ساعت ۹ صبح در معدن چادر ملو و تحت نظرارت اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان اردکان برگزار می شود.

در همین رابطه، حسین جنایی، عضو هیات مدیره انجمن صنفی کارگران آسفالت طوس چادرملو در ارتباط با رد صلاحیت دو تن از اعضای سابق هیات مدیره توسط وزارت کار به اینجا گفت: به احتمال زیاد رد صلاحیت این دو نفر به پرونده قضایی سال ۹۳ و اعتراضات صنفی کارگران در آن زمان مربوط می شود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا:

ایلنا: ترکیب اعضای هیئت رئیسه اتحادیه کارگران صنعت خودرو سازی کشور مشخص شد ۹۴/۱۰/۶

بالنتشار خبر بالا و تماس با کارگران کارخانه های خودرو ساز کشور و بی اطلاعی کارگران این صنایع از وجود تشکل و یا نمایندگانی از آن شرکت ها پیگیر این موضوع شدیم. با توجه به اینکه شرکت های خودرو سازی ایران خودرو، سایپا، سایپا یدک، پارس خودرو، مگا موتورز، تراکتورسازی تبریز، ماشین سازی تبریز و اراک، کرمان خودرو دارای هیچ گونه تشکل کارگری نیستند و حق ایجاد هیچگونه فعالیت صنفی به کارگران داده نمی شود، آمدن به یک باره خبر تشکیل اتحادیه ای از کارگران صنعت خودرو ساز از طرف خانه کارگر و با همدمتی تشکل نماینده گان کارگری تعجب کوشندگان سندیکایی و کارگران این صنایع را برانگیخت.

پس از آمدن مسولان صندوق بین المللی پول به ایران و توصیه به مقامات کارگری ایران در جهت حرکت کردن در مسیر سه جانبه گرایی و تضعیف سندیکاهای کارگری به منظور آماده ساختن قوانین و ساختار لازم برای تهییه کارگر ارزان و مطیع، بسیج کارگری و انجمن های صنفی در اقدامی هماهنگ در محور غرب تهران به ایجاد انجمنهای صنفی دست ساز کارفرمایان اقدام کردند. در هیات دولت هم با هماهنگی کامل در لایحه ششم توسعه موضوع پرداخت ۷۵ درصدی به کارگران زیر ۲۹ سال هم کلید خورد.

آمدن به اصطلاح اتحادیه کارگران صنعت خودرو سازی کشور به نقل از ایلنا « ضرورت تشکیل اتحادیه کارگران خودرو ساز که بر اساس مصوبات اعضای شرکت کننده در جلسات رسیدگی به رکود خرید خودرو داخلی فراهم شده است و این موضوع نشان از عزم واراده کارگران خودرو ساز به داشتن یک اتحادیه متشكل وقوی دارد.» در حقیقت این تشکل در راستای همفکری و همکاری با کارفرمایان برای موضع رکود خرید خودرو و رفع دیگر مشکلات مافیای صنعت خودرو تشکیل شده است.

حمله به دستاوردهای زحمتکشان

تبصره ۲۴ برنامه ششم با موضوع افزایش سن و سابقه بازنشتگی و تبصره ۳۳ در خصوص پرداخت ۷۵ درصد حداقل دستمزد به کارگران زیر ۲۹ سال از مواردی است که می‌توان آن را ظلم آشکار نامید. در صورت تصویب و اجرایی شدن تبصره ۲۴ برنامه، محاسبه حقوق بازنشتگی کارکنان دولت به جای آن که بر اساس میانگین حقوق دو سال آخر خدمت باشد، میانگین حقوق ۵ سال آخر مبنای قرار خواهد گرفت. برای مثال اگر کارمندی که ۳۰ سال خدمت کرده و میانگین دو سال آخر خدمتش یک میلیون و پانصد هزار تومان بوده، در صورت تصویب طرح جدید، میانگین پنج سال آخر خدمت وی فرضایا به یک میلیون خواهد رسید که مبنای پرداخت حقوق بازنشتگی وی خواهد بود.

همچنین دولت می‌خواهد با تصویب تبصره ۳۳ به کارفرمایان اجازه دهد با اخراج کارگران بیش از ۲۹ سال در مشاغلی که احتیاج به مهارت خاصی ندارد، با دزدیدن ۲۵ درصد دستمزد کارگران جوان زیر ۲۹ سال را قانونی کرده و اجحاف به کارگران را افزایش دهد.

با پیوستن به سندیکاهای کارگری از نان فرزندانمان محافظت کنیم.



گزارش جابر بیابانگرد از وضعیت رانندگان بیابانی:

جان رانندگان ماشین های سنگین فرسوده برای تامین گرما در کامیون متوقف شده خود به ناچار از گاز پیک نیک استفاده می کنند. در معرض خطر قرار دارند. متأسفانه تعداد بسیار کمی خودرو سنگین در کشور وجود دارد که از سیستم سرد کننده و گرم کننده و قابل استفاده در زمان استراحت برخوردار هستند.

رانندگان برای استفاده از سیستم گرم کننده باید کامیون را روشن و در حال حرکت داشته باشند و چون خودروهای سنگین موجود در کشور سیستم گرمایش، سرمایش درجا ندارند، رانندگان مجبور به استفاده از لوازم گرمایشی مانند گاز پیکنیکی می شوند. به عنوان نمونه دو مورد از مسمومیت راننده مشهدی با گازمونوکسید کربن در مرز قصر شیرین در تاریخ ۲۵ دیماه و مرگ راننده ۵۰ ساله در بزرگراه تهران کرج در تاریخ ۲۷ دیماه اشاره کرد و گفت: متأسفانه در فصل سرما شاهد مرگ بسیاری از رانندگان ناوگانهای بین شهری هستیم که در خودرو متوقف شده خود برای تامین گرما در زمان استراحت از لوازم نامناسب گرمایشی استفاده کرده و براساس نشت گاز خود را از دست داده اند. حال که تحريم ها برداشته شده زمان آن رسیده که برای تجهیز ناوگان حمل و نقل بین شهری تمهیدات مناسبی اندیشیده شود. باجرای برجام و شرایط پس از تحريم اکنون زمان مناسبی برای مسئولین است تا با نوسازی ناوگان حمل و نقل جاده ای به خودروهای سنگین مجهر به سیستم های جدید گرمایشی، سرمایشی جلوی اینگونه حوادث غم انگیز را بگیرند.

همچنین لزوم ایجاد استراحتگاه های بین راهی برای رانندگان خودروهای سنگین در تامین شرایط رفاهی رانندگان جاده ای در رفع مشکلات صنف رانندگان جاده ای کشور بکوشند.

در زیرگزارشی به نشست دوره ای اتحادیه های کارگری خودرو سازی جهان از طرف سندیکای کارگران فلزکارومکانیک در آبان سال ۱۳۹۲ فرستاده شد که در آن نشست مورد توجه حاضرین قرار گرفت . نظر به اهمیت موضوع کارگران خودرو سازی کشور اقدام به باز نشر آن می کنیم.

گزارشی به نشست دوره ای اتحادیه های کارگری خودرو سازی جهان در اسپانیا

خواهران و برادران کارگر،

کارگران خودرو سازی ایران همگی از مشکلات واحدی رنج می برند: سرعت بالای خطوط تولیدی، اضافه کاریهای ویران کننده جسم و روح، دستمزد کم، سختگیری علیه سندیکاهای کارگری و سرکوب و زندانی کردن فعالین کارگری.

شرکت های خودرو سازی ایرانی به دلیل در اختیار داشتن کارگران ارزان قیمت، به بهشت شرکت های خودرو سازی کره ای، ژاپنی، فرانسوی، اسپانیایی تبدیل شده اند و بازار خوبی برای این سرمایه داران حرص فراهم شده است تا با فروش تکنولوژی قدیمی و فروش قطعات خودرو، ایران را محلی برای استثمار کارگران توسط سرمایه داران ایرانی کرده و ارزهای با ارزش نفتی که حاصل رنج زحمتکشان و ثروت ملی ایرانیان است را به غارت ببرند و با سوق دادن سرمایه های خود به کشورهای فقیر و به تعطیلی کشاندن صنعت خودرو سازی در کشورهای خود ، ضرب شستی به سندیکاهای کارگری کشورشان نشان بدند و آنان را ضعیف و وادار به تمکین برای حمله به دستاوردهای کارگریشان بکنند. آنچنان که در فرانسه و کل اروپا شاهد هستیم.

ایران خودرو به دلیل سیال بودن کارگرانش هیچگاه نمی توان گفت که چند کارگر و کارمند در آن فعالیت دارند. در حال حاضر بطور تقریبی ۱۷۰۰۰ کارگر و تعداد ۸۰۰۰ نفر کارمند در رده های مختلف در آنجا کار می کنند. که در هر شیفت تعداد ۷۰۰۰ نفر مشغول بکارند. البته از این ۷۰۰۰ نفر همیشه تعداد ۱۰۰۰ الی ۲۰۰۰ نفر کارگران اضافه کار هستند.

این تعداد کارگر، کارگرانی هستند که در ایران خودرو مشغول بکار هستند. در کارخانه های اقماری ایران خودرو مانند مگاموتور، نیرو محرکه، و کارخانه های قطعه سازی همچون کارخانه غرب استیل سمنان، برات ماشین در کمال شهر کرج، محور سازان واقع در کرج، و همچنین کارخانه های قطعه سازی وابسته به ایران خودرو، تعداد کارگران وابسته به ایران خودرو بیش از ۱۰۰ هزار نفر خواهند شد.

کارخانه ایران خودرو محصولات فرانسوی پژو را در حال تولید دارد از جمله پژو پارس، پژو ۲۰۶، پژو جی ال ایکس، پژو آردی، سمند و همچنین وانت بار پیکان، ال ۹۰، تیبا، رانیز تولید می کند.

از اول مهر سال ۹۱ و با اثربخشی تحريم های کشورهای سرمایه داری، کارخانه های خودرو سازی از جمله ایران خودرو، کرمان خودرو، سایپا، سایپا دیزل، سایپا یدک، مزدا، پارس خودرو، تراکتور سازی، مگا موتور، نیرو محرکه، و کارخانه های قطعه سازی اقدام به اخراج کارگران خود کرده و سطح تولیدات خود را به ۲۵ درصد کاهش دادند. در این اخراج سازی ها بیش از ۱۰۰ هزار کارگر کارخانه های ماشین سازی و بیش از ۲۰۰ هزار کارگر وابسته به کارخانه های ماشین سازی از کار بیکار شدند. این بیکار سازی با نام مرخصی اجباری شکل گرفت که ما در سرمقاله نشریه پیام فلزکار آبانماه ۹۱ شماره ۱۳ به آن اشاره و اعتراض کردیم. در حال حاضر هنوز کارخانه های خودرو سازی به تولیدات قبل از سال ۱۳۹۱ خود نرسیده اند.

شرایط کاری: در ایران خودرو هرگاه نیاز به تولید بیشتر باشد سرعت خط تولید افزایش می یابد، که باعث افت کیفیت خودرو می شود. اما به دلیل فروش خوب و بازار تشهی خودرو در ایران، مدیران به آن اهمیت نمی دهند. در هر سال مدیریت ایران خودرو با اعلام اینکه امسال نسبت به سال گذشته باید ۱۰ درصد خودرو بیشتر تولید کنیم، که بیشتر در آذرماه هرسال رخ می دهد، با فشار کاری و حشتناک (جشن رکورد) به افزایش تولید هرسال خود رسیده و این شاخصی است که در سال بعد هم باید از این شاخص فراتر رفت. یعنی هرسال باید تولید سال گذشته شکسته شود. یعنی استثمار هر سال در صدش بیشتر می شود. البته ناگفته نماند که پاداشی هم به عنوان رکورد به این کارگران تعلق می گیرد. کلیه خطوط تولیدی، حیاط، رختکنی، وبخش اداری با دروریین های مدار بسته کنترل می شود. به همین خاطر دقیقاً اگر خطی گند کارکند و یا کارگران بخواهند نفسی تازه کنند با تماس با سرپرستان آنها افراد را بشدت توبیخ کرده و حتا در اختیار کارگزینی قرار می دهند. به این معنا که کارگر از قرار داد یک سال به شش ماه، از ششماه به دو یا یک ماه و کارگر قرارداد یک ماه و دو ماه به روز مزد تبدیل وضعیت می شود و نهایت اخراج خواهد شد.

ساعت کاری: در حال حاضر که کارخانه در رکود بس ر می برد هر کارگر در ماه ۲۲۰ ساعت، ساعت کاریش است. اما کارگران برای آنکه زندگیشان بچرخد از ۴۰ تا ۹۰ ساعت اضافه کاری در ماه انجام می دهند که باز هم زندگیشان نمی چرخد. برایتان چند فیش حقوق می فرستیم که مستند صحبت کرده باشیم. این در حالی است که ایران خودرو با پایین ترین سطح تولید امروز کارمی کند، والا در ایران خودرو در سال های گذشته کارگرانی داشتیم که روزانه حداقل ۲ شیفت کار را برای انجام می دادند. حتا کارگری در سال ۱۳۷۸ با سه شیفت کار در طی ۲۲ روز هنگامی که خستگی به او فشار آورده بود در ساعت ۲ شب در کنار پالت قطعات به خواب رفت و ماشین لیف تراک حمل بار او را زیر گرفت و کشت. در ایران خودرو تا ۲

سال گذشته چیزی به نام تعطیلی روز جمعه، و تعطیلات رسمی غیر جمعه وجود نداشت و همه روزها، روز کاربود. فقط ۲ روز، یکی اول عید نوروز و دوم روز عاشورا روز تعطیل در سال بود. این فشار کاری باعث اعتصاب های زیادی در سال ۹۰ شد که مدیریت قول داد روز جمعه را روز کار نزند که پس از دو ماه باز هم جمعه روز کاری اعلام شد. یکی از دلایلی که کارگران به اضافه کاری تن می دهند و کمتر دست به اعتصاب می زنند به دلیل حقوق پایین است که حداقل حقوق امسال کارگران ^۴ برابر زیر خط فقر تعیین شده است و کارگران برای داشتن درآمد و گذران زندگی بیشتر تن به اضافه کاری می دهند. (حداقل حقوق کارگر ایرانی در ماه ۱۶۶/۵ دلار در ماه است و خط فقر ۶۶۶ دلار تعیین شده است) در فیش حقوق همه کارگران به نوعی به شرکت بدھکاراند و در هر فیش حقوقی ۵۰ درصد از حقوقشان به عنوان اقساط کسر می شود. در فیش حقوقی دزدی آشکاری بنام خیریه حضرت رسول است که ماهانه ۵۰۰۰ تومان از هر کارگر کسر می شود و معلوم نیست به چه هزینه ای می رسد. یعنی در هر ماه ۸۵ میلیون تومان به عبارتی ۲۸ هزار دلار از کل کارگران ایران خودرو کسر می شود. در فیش حقوقی ردیفی است به نام کارایی که توسط سرپرستان تعیین می شود یعنی اینکه آیا از نظر شرکت شما کارگر سر به راهی بوده ای یا نه؟ اگر نبوده ای این کارایی به شما تخصیص پیدا نمی کند. ۱۰ درصد حقوق کارگران به عنوان مالیات کسر خواهد شد و ۱۰ درصد هم به عنوان حق بیمه دولتی و ۶ درصد هم بیمه تكمیلی خصوصی.

شرایط استخدام: تا سال ۱۳۷۷ استخدام رسمی در شرکت ایران خودرو رواج داشت. پس از آن با رواج قراردادهای موقت و سپس شرکت های تامین کننده نیروی انسانی، استخدام رسمی در شرکت وجود ندارد. یعنی شرکت های تامین کننده نیروی انسانی نه شرکت ایران خودرو در هر موردی اگر با کارگران به اختلاف بخورند کارگر شاکی نه از ایران خودرو بلکه از شرکت نیروی انسانی شکایت خواهد کرد.

کارگران قراردادی آنهایی که بیش از ۱۵ سال در شرکت سابقه دارند قراردادهای یکساله می‌بندند که مدیران جزء ، و سرپرستان را شامل می‌شود. قرار دادهای ششماه با کارگرانی کمتر از دهسال سابقه کاربسته می‌شود. قراردادهای دو ماهه و یکماهه نیز با کارگران زیر ۵ سال سابقه بسته می‌شود. کارگران با ۲ یا ۳ سال سابقه اکثراً روز مزد هستند که بعد از ۸۹ روز قرار دادختمه یافته و هیچ‌گونه حقی فرد ندارد. امروزه کارگران روز مزد آرزویشان است که تبدیل به وضعیت قراردادی یک ماهه و یا دوماهه بشوند. هیچ کارگر قراردادی و روزمزد نصف حقوق کارگران رسمی ایران شود. کارگران قراردادی و روزمزد نصف حقوق کارگران رسمی ایران خودرو را می‌گیرند. شرکت‌های پیمانکاری حداقل ۴۰ درصد دستمزد هر کارگر قراردادی و پیمانکاری روزمزد را به جیب می‌زنند. در حقیقت شرکت‌های پیمانکاری راهزنانی هستند که قانون ایران خودرو به آنان اجازه چنین سرقی را از کارگران داده است و خود در این ظلم آشکار شریک است. بارها اتفاق افتاده است که شرکت‌تمامی کننده نیروی انسانی به دلایلی قراردادش خاتمه می‌یابد و بدون اینکه با کارگران تسویه حساب کند به ناگهان غیب می‌شود و کارگران دست از همه جا کوتاه‌تر به امید اینکه شرکت پیمانکاری نیروی انسانی دیگری آنان را به خدمت بگیرد روزگار می‌گذرانند. در ایران خودرو طبقه بندی مشاغل وجود ندارد که یکی از مهمترین خواسته‌های کارگران ایران خودرو است.

مسایل رفاهی: در حال حاضر کفش کار که سالی دو مرتبه بود به یک مرتبه کاهش پیدا کرده است. شیر را قطع کرده اند.

مشکلات کارگران ایران خودرو: یکی از مشکلات کارگران ایران خودرو نبود هیچ گونه تشکل صنفی چه دولتی و مستقل در این مجموعه کارگری است.

از دیگر مشکل کارگران به دلیل نبود امنیت شغلی که با قرار دادهای موقت و روز مزدی نمایان است، ضربه جبران ناپذیری به روح و روان خانواده های کارگری زده است.

سرعت کار و کار بدون مرخصی، بیماری های روحی و روانی را در ایران خودرو به شدت افزایش داده است. افسردگی، پرخاشجویی، سردرد های مزمن، افزایش اختلافات خانوادگی و طلاق از جمله مشکلاتی است که سلامتی کارگران را تهدید می کند.

فعالیت های کارگری: در ایران خودرو و در سایر شرکت های بسیار بزرگ همچون نفت و ذوب آهن هیچ تشکلی وجود ندارد حتا دولتی. چنانچه کارگری شروع به فعالیت های کارگری کند به سرعت شناسایی و پس از اخطار و جابجایی از محل کار و در نهایت اخراج خواهد شد. در سال ۱۳۸۸ یکی از کارگران ایران خودرو که فعالیت های سندیکایی می کرد پس از دستگیری در زندان شرکت ایران خودرو یک شب ماند و سپس به اوین برده شد. پس از آزادی از شرکت اخراج شد. در ایران خودرو محیط نظامی است و شما هر لحظه در معرض دید قرار دارید. از لحظه ورود به کارخانه تا رختکن و خطوط تولیدی، شما مرتباً توسط درویین های مدار بسته کنترل می شوید. سرپرستان خود به عنوان مامورین سرکوب هر اعتراضی را گزارش و در نطفه خفه می کنند.

همه این فشارها و بی قانونی ها که در مورد کارگران به اجرا گذاشته می شود، به شکل پاداش های چند صد میلیون تومانی، و سفر های خارج از کشور برای مدیران ایران خودرو به اجرا گذاشته می شود که برای سال آینده به فکر استثمار بیشتر و نابودی حقوق کارگران باشند.

تحویل واحدهای مسکن مهر کشور در چه زمانی؟

هزار وعده خوبان یکی وفا نکند!

معاون وزیر راه و شهرسازی در مشهد خبر داد: تحویل اکثر واحدهای مسکن مهر کشور تا پایان سال "۹۲". محسن نریمان اولویت کار را با طرح‌های نیمه تمام دانست و افزود: ما در مشکلات توقف نمی‌کنیم، بلکه از آن عبور می‌کنیم و به سرعت در راستای تکمیل پروژه‌های مسکن مهر گام برمی‌داریم، تا پایان سال کلید اکثر واحدهای مسکن مهر به مقاضیان تحویل داده می‌شود. تاریخ انتشار: ۱۱ آذر ۱۳۹۲

معاون وزیر راه و شهرسازی: تحویل تمامی واحدهای "مسکن مهر" تا پایان سال "۹۳". نریمان پیشرفت فیزیکی واحدهای مسکن مهر را ۷۰ درصد دانست و گفت: تاکنون پروژه‌های مسکن مهر میانگین ۷۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند که تا پایان سال ۹۳ تمامی آنها به بهره‌برداری می‌رسد.

محسن نریمان در خصوص افزایش قیمت مسکن توسط انبوه سازان گفت: قراردادهای مسکن مهر نیز همانند قراردادهای دیگر است و انبوه‌سازان هنگام منعقد شدن این قراردادها تمامی متن آن را خوانده و روند افزایش تورم را بررسی کرده‌اند بنابراین نیازی به افزایش قیمت مسکن مهر نیست و من مخالف این افزایش قیمت هستم. تاریخ انتشار: ۸ دی ۱۳۹۲

معاون وزیر راه و شهرسازی از اتمام طرح‌های مسکن مهر تا پایان سال "۹۴" خبر داد. به گزارش خبرنگار مهر، محسن نریمان در برنامه "نگاه یک" شبکه یک سیما با بیان اینکه ۲۰ درصد طرح‌های مسکن مهر در قالب شهرهای جدید در حال ساخت است، اظهارداشت: ساخت این شهرها حدود ۸۰ درصد پیشرفت دارد. وی با اعلام اینکه طرح‌های مسکن مهر در کل کشور ۸۳ درصد پیشرفت داشته است، گفت: براساس قانون، جز مقدار کمی

که از یارانه‌ها به این طرح اختصاص می‌ابد، بقیه هزینه طرح مسکن مهر را مردم می‌پردازند. تاریخ انتشار: ۲۳ آذر ۱۳۹۳

معاون وزیر راه و شهرسازی در ارakk: تمام مسکن‌های مهر اوایل سال "۹۵" تکمیل می‌شود. محسن نریمان افزوود: تمامی واحدهای مسکن مهر با تلاش و همکاری تمامی مسئولان مربوطه باید تا پایان سال ۹۴ به اتمام برسد و با توجه به اینکه در بعضی از شهرهای جدید مشکلات حقوقی، زیربنایی، روبنایی و خدماتی وجود دارد این مهم در اوایل سال ۹۵ تکمیل شده و به بهره‌برداری می‌رسد. تاریخ انتشار: ۲۰ خرداد ۱۳۹۴

معاون وزیر راه و شهرسازی: پرونده مسکن مهر تا پایان سال "۹۵" بسته شود. غراوى گفت: همچنین ۲۵۰ هزار واحد آماده تحويل داریم که متأسفانه به دلیل عدم وجود آب، برق و گاز نتوانستیم به متقاضیان تحويل دهیم؛ بر اساس برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته، پرونده مسکن مهر باید تا پایان سال ۹۵ بسته شود. تاریخ انتشار: ۲۳ آبان ۱۳۹۴

و این قصه ادامه دارد!!!

تهیه شده توسط یکی از اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکار مکانیک



چه می دانیم؟ و چه بکنیم؟؟

مردم عزیز و کارگران محترم

بیاید کمتر از دولت بگوییم تا دولت را به انزوا بکشانیم .بیشتر از سندیکا بگوییم تا راه نجات مردم هموار شود.تا بدختی و فلاکت از ایران عزیزان رخت بر بند.از خوبیهای سندیکا بگوییم.از وظایف سنگین فعالین سندیکایی بگوییم.از منافع وجود سندیکای قدرتمند برای مردم بگوییم.از مشکلات سندیکا بگوییم.از پیشکسوتان سندیکا بگوییم.از مردان سندیکای زمان قاجار زمان رضاخان زمان محمد پهلوی.....از مردان مبارز که برای هشت ساعت کار ، برای کفش کار ، برای لباس کار ، برای یک و عده غذای گرم در یک شیفت کار ،،،، مبارزه کردند.و زیرشکنجه خم به ابرو نه اوردن و سالها زندان بودند ، تا ما کارگران امروز از حد اقل حقوق و مزایای کارگری محروم نباشیم.عزیزان بگویید هرچه که مربوط به مردم است.

مطمئن باشید اگر صدها کتاب سندیکایی بخوانید مردم ایران به همان مقدار خوشبخت میشوند.فعالین سندیکایی را در یابید چراکه فقط و فقط دلگرم به شما مردم و کارگران هستند.فعالین سندیکایی بدون هیچ چشمداشتی همانند گذشتگان خود برای ارتقا سطح زندگی سی میلیون کارگر ایرانی شبانه روز در تلاشند . برای کسانی جانفشنایی میکنند و هم از خرجی خانواده خود برای سندیکا خرج میکنند که حتا خیلی از مردم و کارگران نمیدانند که این مردان فداکار وجود دارند . کارگران ایران ، بگردید و میان خود مردان راست قامت سندیکایی را بباید ، از آنان آموزش‌های سندیکایی را طلب کند ، هر فعال سندیکایی در هرجای ایران باشد خود را موظف میداند تا تلاش کند به دیگر کارگران آموزش سندیکایی بدهد تا کارگران از حقوق واقعی خود آگاه شوند.کارگران فعال پیش رو بطور داوطلب و کاملاً اگاهانه و هدفمند برای ارتقا سطح زندگی سی میلیون کارگر مبارزه کاملاً صلح آمیز انجام میدهند.

اما متأسفانه دولت سرمایه پرست حاضر نیست پولی بیشتر از بخورو نمیر به کارگر پرداخت کند. و براحتی فعالین کارگری را به زندان میاندازد. اینجاست که جای خالی حق عضویت کارگران بشدت احساس میشود و خانواده زندانیان در مضيقه مالی قرار میگیرند. حق عضویت پنج یا ده هزار تومانی در ماه که هریک از اعضا پرداخت میکند. کارگران فرانسه سالیانه سی و پنج میلیون یورو حق عضویت به سندیکای خود پرداخت میکنند تا حقوق حداکثری را برای خود و فرزندان خود تضمین کنند.

سوال میکنم شما برای خود و فرزندان خود چه خواهید کرد؟ آیا باز هم به ایراد گیری از دولت و غر زدن به دولت ادامه خواهید داد؟ یا در میان خود فعالین سندیکایی را پیدا میکنید و آموزش‌های سندیکایی را دریافت میکنید!!

به دورافتاده ترین نقاط ایران سفر کنید، از هر فردی بخواهید برای شما ده ساعت یک نفس از دولت انتقاد خواهد کرد هر چند بی سواد و معمولی باشد !!! حال به کارخانه های صنعتی سری بزنید در قلب شهرها، بامدرک دیپلم مشغول کار، از هریک این کارگران بخواهید ده دقیقه از سندیکای کارگران ایران انتقاد کنند. فاجعه اینجاست که حتی نمیدانند که ایران سندیکای کارگری فعالیت دارد. فاجعه اینجاست که فرق میان سندیکای کارگری مستقل و خانه کارگر را نمیدانند. فاجعه اینجاست که نمیدانند فعالین سندیکایی چه جون دلها خورده اند زمان تعیین حداقل دستمزد.

چیزی که کارگران ایران باید بدانند واقعاً چیست؟؟؟!!

افشینی کارگر فلز کار مکانیکی



درود بر دوستان و رفقا

بگذار از آنجایی شروع کنیم که صنعت ساختمان سازی از بخش های پر طرفدار اقتصاد بود ، به دلیل این که در کوتاه مدت سود کلانی را به سرمایه دار نوپا میداد و به خاطر همین هم سرمایه دار ها هجوم آورده بودن به صنعت ساختمان سازی البته کسانی بودن که تخصص در ساختمان سازی نداشتن بلکه فقط سرمایه داشتن و بی رویه شروع کردن به ساخت و ساز، علت مقاوم نبودن ساختمانها هم این است. اما در موقعیت کنونی که ساخت و ساز از رونق افتاده و سودی برای سرمایه دار ندارد اما الان سود در واردات هست و سرمایه داری سرمایه ها را سوق داده به سمت واردات همه سرمایه دارها شدن وارد کننده از چین. جنس های درجه سه وارد میکنند و یکی از اشتباهات سرمایه داری این بود که تمام تولیدات را از بین برده با کوتاه بینی خودسرمای داری نوپا هیچ وقت به فکر سرمایه گذاری بلند مدت نبوده به این معنا که در بخشی سرمایه گذاری کند برای اینده. مثلا بعداز چند سال از آن بهره برداری کند همه سرمایه داری ها به دنبال رسیدن به سود در کوتاه مدت هستن برای همین هم بدون برنامه ریزی هجوم آوردن به ساخت ساز. و همین اتفاق در واردات بی رویه افتاده تولید که موتور اقتصاد هست از بین برده. و این دنبال سود بودن سرمایه دار نوپا یکی از علل های هست که قدرت خرید

کارگران را روزبه روز کم میکنه این علت هم باعث شده که بازار سرمایه به هم ریخته یعنی عملاً تقاضای وجود ندارد. چون اکثریت جامعه را کارگران تشکیل میدهند. با این توضیحات من که خودم یک کارگر ساختمانی هستم میتونم بگم که درصد بالای از کارگران ساختمانی بیکار هستن و از جمله اینها کارگران نقاش که تمام پاتوق های این کارگران پر هست. آواره ماندن در پاتوقها با یارانه ۴۵ هزار تومانی یک ماه زندگی کردن غیر قابل تصور هست اینها عملاً فقط پول نان خالی دارن حتا برای پنیر خریدن قدرت ندارن. دولت باید به فکر این بخش از کارگران باشد که آسیبها جدی به بخش های دیگر وارد خواهد کرد این خود به تنها یک بحران هست برای جامعه.

آنکنون سوال این است که : « آیا با یارانه میشه یک ماه زندگی کرد؟ »

« آیا این بحران بیکاری خود خطری جدی نیست؟ »

حسین امیدی عضو سندیکای کارگران نقاش و تزیینات تهران

« در حالی که مدیران تامین اجتماعی حقوق های ۱۰۰ میلیونی دریافت می کنند و تا دو ماه دیگر عیدی و پاداشی ۳۰۰ میلیونی در انتظارشان است ، چرا نباید بیمه های بیکاری به داد این زحمتکشان برسد؟ »

چه تفاوتی بین فرزندان کارگران و این آقایان هست؟

اثر بخشی اعتضابات کارگری

اعتضابات کارگران پتروشیمی، کارگران برق فشارقوی، کارگران معادن زغال سنگ، کارگران عسلویه، کارگران کارخانه‌های سیمان، کاشی‌سازی، فولاد، نساجی، کنتورسازی، کارگران شهرداری‌ها و راه‌آهن، از نمونه اعتضابات کارگری در ماههای اخیر است. جنبش کارگری نه فقط در عرصه سازماندهی اعتراضات و اعتضابات در این یا آن کارخانه، در مسیر رشد و پیشرفت خود گام برداشته است، که علاوه بر آن، با سازماندهی و گسترش اعتضابات فرا کارخانه‌ای، در راه ایجاد یک جنبش سازمان‌یافته سرتاسری، همچنان در حال پیشروی است.

جدیدترین و در عین حال برجسته‌ترین اعتضاب کارگری که از چنین خصوصیتی برخودار است، اعتضاب متحданه، همزمان و هماهنگ هزاران تن از کارگران معادن زغال سنگ، در سه استان کشور است. ۱۲ دی ماه بیش از دو هزار تن از کارگران معادن زغال سنگ کوهبنان واقع در استان کرمان، متعدد و یکپارچه دست به اعتضاب زدند و از رفتن به داخل تونل معدن، خودداری کردند. همین‌که کارگران معدن پابدانای جنوبی، در مقابل "درب ورودی معدن اجتماع و اعلام اعتضاب کردند کارگران "معدن هشونی" ، "معدن همکار" ، "معدن اصلی" و "معدن چشم پودن" نیز به رفقای خود پیوستند و وارد اعتضاب شدند. اعتضاب معدن‌چیان در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها، به سرعت تمام معادن زغال سنگ کوهبنان را فرا گرفت.

اعتضاب کارگری در معادن کشور به ویژه معادن استان کرمان امر جدیدی نبوده و نیست. پرونده جنبش کارگری در این زمینه بسیار غنی است. اعتضابات پرشور و مکرر کارگران معدن مس سرچشم، خاتون‌آباد، اعتضابات مکرر و یکپارچه دو هزار کارگر معدن سنگ آهن چادرملو و پنج هزار کارگر معدن سنگ آهن بافق، تنها برگ‌هایی از کتاب قطور اعتضابات

کارگری در معادن است. بنابراین، اعتصاب کارگران معدن، موضوع جدیدی نبود، اعتصاب هماهنگ و همزمان چند معدن زغال سنگ اما اتفاقیست که پیش از آن رخ نداده بود. این، رویداد پراهمیتیست که به همت کارگران پیشرو معدن شکل یافت. اگر این واقعیت را در نظر بگیریم که بیشترین معادن زغال سنگ کشور در استان کرمان قرار دارند و بیش از ۷۰ درصد معادن زغال سنگ کرمان، در کوهبنان قرار گرفته است، آنگاه درجه اهمیت اعتصاب هماهنگ و همزمان و اتحاد کارگران معادن زغال سنگ کوهبنان، بهتر و بیشتر روشن می‌شود.

سازماندهی اعتصاب هماهنگ و همزمان در چند معدن کوهبنان که معنای آن سازماندهی اعتصاب فرا کارخانه‌ای است، اگر چه گام بسیار مهمی در پیشرفت مبارزات کارگران معدن و کل طبقه کارگر محسوب می‌شود، اما این هنوز تمام مسئله نیست. درست همان روزی که معادن زغال سنگ کوهبنان وارد اعتصاب شدند، کارگران معادن زغال سنگ شمال شهر شاهروド نیز دست به اعتراض و تجمع زدند. کارگران معدن زغال سنگ "ملچ آرام" با تجمع در مقابل فرمانداری شهرستان "رامیان" و کارگران معدن زغال سنگ "زمستان یورت شمال غرب" (قشلاق)، در مقابل فرمانداری "آزادشهر" دست به تجمع زدند و با حمل پلاکاردهایی خواستار پرداخت معوقات مزدی خود شدند. هنوز هزاران کارگر شش معدن زغال سنگ کوهبنان در استان کرمان و دو معدن ملچ آرام و قشلاق در استان گلستان در اعتصاب و اعتراض به سر می‌بردند که روز ۱۳ دی، بیش از ۵۰۰ تن از کارگران معدن زغال سنگ البرز شرقی (واقع در منطقه طرزه استان سمنان) نیز وارد اعتصاب شدند. ۲۰۰ تن از کارگران در مقابل ساختمان اداری معدن در شاهروド و ۳۰۰ تن دیگر که از اهالی دامغان هستند، به طور همزمان در مقابل فرمانداری دامغان دست به تجمع زدند. بدین ترتیب اعتصابات و اعتراضات هماهنگ و همزمانی در ۹ معدن زغال سنگ واقع در سه استان کشور شکل گرفت. اگر پیشرفت های جنبش کارگری در این عرصه، پیش از این با نام کارگران پتروشیمی، برق و

مخابرات رقم خورده بود، پیشرفت جنبش کارگری این بار مدبون معدن‌چیان است و بنام کارگران صنایع زغال سنگ ثبت شد.

گفتن ندارد که سازماندهی چنین اعتصاب و حرکت هماهنگ بزرگی نیازمند تشكل است. تشكلی با کارکرد فرا کارخانه‌ای، تشكلی که توافقه است بخش اعظم کارگران یک رشته را در یک زمان مشخص به اعتصاب بکشاند و در این حدود، کارگران را متشکل سازد. اعتصابات معادن زغال سنگ، باز دیگر این واقعیت را نشان داد که کارگران آگاه و پیشرو این رشته، با استفاده از تجرب خود در زمینه کم اثر بدون اعتصابات پراکنده و مجزای هر واحد، در راه ایجاد تشكل‌های رشته‌ای و فرا واحدی ساختن اعتصابات و مبارزات کارگران معدن گام نهاده‌اند. واقعیت‌های زمینی و ضرورت‌های پیشرفت مبارزه طبقاتی، کارگران آگاه و پیشرو، فعلان مرتبه با محیط‌های کار و تولید و کل کارگران را بیش از پیش به سمت ایجاد تشكل‌های کارگری در رشته‌های معین و سازماندهی و اعتصابات رشته‌ای می‌راند.

امیدواریم که این بخش از جنبش کارگری با جنبش سندیکایی کشورمان ارتباط یافته و هماهنگ دست به اعتراضات کارگری بزنند.

در زمان حاضر هم اندیشی و هماهنگی بخش‌های مختلف جنبش کارگری خواست مبرم و حیاتی برای پیروزی بر سرمایه داری و حملات آن به دستاوردهای کارگری است.

متحد شویم، و از دستبرد به سفره‌های کارگریمان جلوگیری کنیم.
تصمیم با ماست.

حسین حداقلی کارگر کوهبنانی

اصلاح ساختاری روابط کار و مبارزه برای طرح مترقی طبقه بندی مشاغل

«برگرفته از سایت اتحاد کارگر»

چندی پیش معاون وزیر کار "از اجرای گستردۀ طرح طبقه‌بندی مشاغل در کشور خبر داد و گفت: ۱۰ برنامه ویژه اصلاح ساختار روابط کار تدوین شده است. او متذکر شد طرح جدید نظام طبقه بندی مشاغل از مهم ترین این طرح هاست که امسال با اجرای داوطلبانه و آزمایشی در چند واحد تولیدی دارای محصولات دانش بنیان، فراگیر خواهد شد".

سالهاست با وجود سرکوب سندیکاهای طبقه کارگر ایران برای اجرای طرح مترقی طبقه‌بندی مشاغل مبارزه می‌کند. در حال حاضر طرح طبقه بندی مشاغل به شکل درست در کارگاهها اجرا نمی‌شود. بعلاوه مهمترین مانع اجرای طبقه‌بندی مشاغل نبود امنیت شغلی کارگران است. بسیاری از کارگران دارای قراردادهای موقت هستند و همین موجب شده تا نتوانند پیگیر طرح طبقه بندی مشاغل باشند.

ماده ۴۹ قانون کار تاکید دارد؛ به منظور استقرار مناسبات و روابط عادلانه و صحیح کارگاه با بازار کار در زمینه مزد و مشخص بودن شرح وظایف و دامنه مسئولیت مشاغل مختلف در کارگاه، کارفرمایان مشمول این قانون با همکاری کمیته طبقه بندی مشاغل کارگاه یا موسسات ذیصلاح، طرح طبقه بندی مشاغل را تهیه و پس از تایید وزارت کار اجرایی کنند. البته این امر تاکنون اجرا و عملی نشده است.

کارفرمایان با حمایت مستقیم دولت برای آنکه طرح اجرا نشود روش اخراج یا تغییر محل کار کارگران را در پیش می‌گیرند به همین دلیل اجرای واقعی طرح طبقه بندی مشاغل سالها با مشکل و کار شکنی مواجه بوده است.

اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در کارگاه‌ها سبب افزایش درآمد کارگران و اجرای عدالت در پرداخت دستمزد می‌شود. اما طرح جدید نظام طبقه‌بندی مشاغل وزارت کار یا ۱۰ برنامه ویژه اصلاح ساختار روابط کار با هدف معین تدوین شده است که با خواست کارگران در مغایرت قرار دارد.

این طرح جدید بدون مشورت با سندیکاهای و در چارچوب نسخه‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تهیه گردیده؛ وزیر اقتصاد و نیز وزیر کار وظیفه اصلی در دوران پس از تحریم را بهبود فضای کسب و کار با انعطاف‌پذیر ساختن قوانین کار و تامین اجتماعی معرفی ساخته‌اند؛ ساختار جدید طرح طبقه‌بندی مشاغل معطوف به برنامه بهبود فضای کسب و کار یعنی اصلاح قانون کار در جهت خواست و منافع سرمایه‌داران است.

باید برای اجرای طرح مترقی طبقه‌بندی مشاغل که تضمین کننده منافع کارگران و زحمتکشان باشد، مبارزه کرد. این مبارزه بخشی از پیکار در راه احیای حقوق سندیکایی است. صفحه‌های خود را متحد سازیم، از تفرقه پرهیز کنیم و با اتحاد و همبستگی از منافع حال و آینده خویش دفاع نمایم. اتحاد رمز پیروزی است!

"درد دل"

لیبرالیسم !!!؟؟

نهو لیبرالیسم !!!؟؟

ببخشید

من فقط یک کارگرم

حرفی برای گفتن ندارم

فرصتی هم برای شنیدن ندارم

فردا برای اجاره خونه

هفت‌صد تومان کم دارم

حسین درودی "

ادغام نظام بیمه‌های درمانی یا انحلال بیمه تامین اجتماعی

با توجه به رسیدن موعد ارایه بودجه ۱۳۹۵ به مجلس و نیز مطرح شدن برنامه ششم توسعه کشور، تامین منابع مالی مربوط به تجمعیت بیمه‌های درمانی در ابهام است. دولت و مجلس برای تامین این بودجه دنبال منابع مالی راحتی هستند و این منابع جزو صندوق پس انداز میلیون‌ها تن از کارگران و زحمتکشان است که با پرداخت‌های ۳۰ درصدی از حقوق ماهانه خود و پدرانشان سرمایه سازمان تامین اجتماعی را بوجود آورده‌اند. زمزمه ادغام بیمه‌های درمانی در طرح «بیمه سلامت» از زمان تشکیل دولت «تبیر و امید» بیشتر شنیده می‌شود. در دوره دولت احمدی نژاد و به نقل از وکیل سازمان تامین اجتماعی- تلاش کردن که سازمان را با گماردن یک جنایتکار تاریخی بنام «سعید مرتضوی» در مدیریت آن و باندهایی مانند بابک زنجانی- متلاشی نمایند، که با مقاومت و اعتراض کارگران سازمان جامه‌ی عمل نپوشیده است. حالا وزیر بهداشت، وزیر کار و مجلس سرمایه داری، در صدد گنجاندن ماده قانونی در برنامه توسعه ششم کشوری هستند که تا سازمان تامین اجتماعی و صندوق درمانی آن را در بیمه سلامت ادغام نمایند. البته در این راه حتی دست به دامن روحانیون بلند پایه حکومتی مانند مکارم شیرازی شده‌اند (همشهری ۳۰ آبان ۹۴). قابل ذکر است که تضعیف سازمان تامین اجتماعی از قبل شروع شده است و دولت از پرداخت بدھی خود که طبق اعلام سازمان تامین اجتماعی ۱۰۰ هزار میلیار تومان است طفره می‌رود. کارگران و زحمتکشان به دلیل محدودیت فعالیت سندیکاهای کارگری نمی‌توانند با حرکت اعتراضی در دفاع از سرمایه‌های خود در سازمان تامین اجتماعی و حفظ صندوق درمانی آن واکنش نشان می‌دهند. این روزها گردهمایی‌هایی از طرف تشكیل‌های زرد حکومتی برگزار می‌شود که موضوع اصلی این گردهمایی‌ها اعتراض به عدم اجرای قانون کار و نیز اعتراض به دست اندازی دولت به منابع مالی سازمان است.

شوراهای به اصطلاح کارگری و خانه کارگر از ترس گسترش اعتراض کارگران تلاش دارند که اوضاع را آرام نمایند. ریبیعی در گرد همایی کارگران گچساران می‌گوید: هیچ کس اجازه ندارد منابع کارگران را در تأمین اجتماعی جای دیگری هزینه کند و همه تلاش خود را در این راه برای صحت کار انجام خواهیم داد. (ایلنا ۲۸ آبان ۹۴) ولی آنچه آشکار است آقای وزیر خود شریک دزد است هر چند خود را همراه کارگران می نمایاند . کارگران بخوبی می دانند که وزیر کار برای اجرای دستورات صندوق بین المللی پول مبني بر پایین نگهداشتن دستمزدها و انحلال سازمان تأمین اجتماعی، تلاش می کند. سندیکاهای کارگری همگام با دیگر زحمتکشان از حق تأمین اجتماعی مستقل از دولت دفاع نموده و اعتراضات خود را گسترش خواهند داد.

نجیبه رحیمی کارگر کارخانه داروسازی

حقوق مساوی برای کار مساوی و تأمین اجتماعی برای همه

روز ۱۲ نوامبر ۲۰۱۵ (۲۲ آبان ۹۴)، در اعتضاب عمومی یونان که جبهه رزمnde سندیکایی سراسری کارگری نیز در آن حضور داشت، پلاکارت‌ها و پارچه نوشته‌هایی با شعارها و خواسته‌های فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری و جنبش سندیکایی جهانی با ماهیت طبقاتی برای تأمین اجتماعی عمومی برای همه، حقوق مساوی برای کار مساوی، و شرایط کار و زندگی بهتر توسط کارگران جوان یونانی حمل می‌شد.

صاحبہ خبرگزاری ایلنا با عبدالله وطنخواه کارگر فلزکار

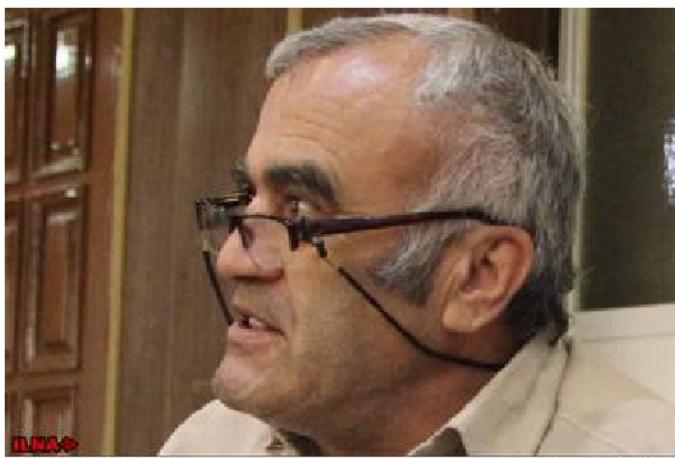


Photo: Kianooosh Mohelian

Iranian Labour News Agency

عبدالله وطنخواه، کارگر فلزکار و عضو هیات مدیره مجمع نمایندگان کارگران تهران در گفتگو با ایلنا در رابطه با تلاش های سالهای گذشته برای خارج کردن کارگران از شمول قانون کار گفت: با مروری بر سیاست های اقتصادی سه دهه گذشته متوجه می شویم که هر چه از زمان خاتمه جنگ جلوتر آمده ایم، کارگران بیشتر توسط دولت ها پس زده شده اند.

این فعال کارگری با اشاره به این مطلب که حذف منافع کارگران از چرخه برنامه ریزی و تدوین سیاست های اقتصادی از زمان اعمال سیاست های تعديل اقتصادی آغاز شد گفت: خارج کردن کارگاههای زیر ده نفر از شمول قانون کار و ایجاد مناطق ویژه اقتصادی از نمونه های این سیاست های ضدکارگری است.

وی با بیان این مطلب که بندهای ضدکارگری و همسو با منافع صاحبان سرمایه در برنامه ششم توسعه بیشتر از برنامه های چهارم و پنجم به چشم می خورد، افزود: در تدوین این لایحه پیشنهادی قانون کار زیر پا گذاشته شده

است. تبصره ۳۳ لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه نیز در ادامه همین سیاست های تعديل اقتصادی و با هدف خارج کردن کارگران جوان از شمول قانون کار ارائه شده است. خارج کردن کارجویان زیر ۲۹ سال از شمول قانون کار، به معنای نادیده گرفتن نقش نیروی کار در تولید ارزش اضافی و به عبارتی دیگر به هدر دادن سرمایه های انسانی است. این نوع سیاست گذاری ها در همسویی و انطباق کامل با منافع دولت و کارفرمایان است و در غیاب کارگران و تشکل های آنها به راحتی رونمایی می شود.

این فعال کارگری در ارتباط با راهکارهای پیش روی کارگران برای جلوگیری از تصویب چنین لوایحی گفت: در حالی که ایران عضو هیات مدیره سازمان جهانی کار است، مقاله نامه های بنیادین ۹۸ و ۸۷ در ایران اجرا نمی شود و متسافنه ما تشکل های مستقل کارگری نداریم. با وجود فقدان تشکل های مستقل، کارگران ابزار چندانی برای دفاع از منافعشان ندارند و بنابراین نمی توانند آنگونه که باید در مقابل تصویب لوایح و طرح های ضد کارگری بایستند.

عبدالله وطنخواه به عنوان نمونه به بخشنامه دادگستری خوزستان مبنی بر منع تجمعات کارگری در منطقه ویژه امام خمینی اشاره کرد و گفت: وقتی ابزارهای قدرت دست کارگران نیست و حق اعتراض آنها به رسمیت شناخته نمی شود، طبیعی است که دولت نئولیبرال روحانی چنین لوایحی را در دستور کار قرار دهد.

این فعال کارگری در پایان بر لزوم اتحاد تشکل های کارگری موجود تاکید کرد و گفت: راه حل، منسجم بودن کارگران در مقابل خواسته های دولت و صاحبان سرمایه است و باید از همه ابزارهای موجود برای جلوگیری از تصویب لایحه پیشنهادی برنامه ششم توسعه استفاده کرد.

سوانح کار یا قتل عمد کارگران؟

روز یکشنبه ۶ دی ماه در محور دزفول - شوشتر بر اثر تصادف یک دستگاه کمپرسی و یک وانت ۴ نفر (۳ زن و ۱ مرد) کشته و ۱۳ نفر (۱۱ زن و ۲ مرد) زخمی شدند. کشته‌شدگان و مصدومین حادثه، کارگران کشاورزی بودند که از شهرک شرافت شوشتار به سوی محل کار خود در زمین‌های کشاورزی واقع در جاده دزفول می‌رفتند.

استان خوزستان یکی از استان‌هایی است که در آن کارگران مزارع کشاورزی به وسیله وانت جابجا می‌شوند. وقوع حوادث رانندگی برای خودروهای وانت حامل کارگران مزارع در شمال خوزستان تاکنون چندین قربانی به دنبال داشته است. اما استفاده از این نوع "سرویس تردد" محدود به استان خوزستان نیست. در آذر ماه ۹۳، تصادف وانت حامل ۱۸ کارگر زن در استان خراسان، ۱ کشته و ۱۴ مجروح بر جای گذاشته بود. مرگ و مصدومیت کارگران بر اثر چنین سوانحی، محدود به این کارگران نیست. در بهمن ماه سال گذشته نیز وانت حامل ۱۵ کارگر نی‌بر شرکت هفتتپه دچار حادثه شد. در دی ماه همان سال نیز واژگونی یک دستگاه وانت منجر به کشته شدن دو کارگر هفتتپه و مصدومیت ۷ تن دیگر شده بود.

به جز وانت، استفاده از وسایل نقلیه فرسوده در جاده‌های ناامن ایران بارها و بارها به مرگ و مصدومیت کارگران منجر شده است. برای مثال در منطقه ویژه عسلویه با وجود هشدارهای متعدد کارگران نسبت به حادثه‌خیز بودن تردد با اتوبوس‌های فرسوده، کارفرمایان همچنان به استفاده از این خودروها که ۹۰ درصد آن‌ها فرسوده‌اند، ادامه می‌دهند. و کارگران با جان خود هزینه آن را می‌پردازند. در یک مورد، در بهمن ماه ۹۳ حادثه رانندگی به مرگ ۶ کارگر و راننده اتوبوس و مصدومیت ۲۲ کارگر دیگر منجر شد. پیش از آن

هم در دی ماه، واژگونی اتوبوس کارگران به مصدومیت ۲۱ نفر انجامیده بود. این فهرست طولانی است.

گرچه طبق ماده ۱۵۲ قانون کار، "در صورت دوری از کارگاه و عدم تکافوی وسیله نقلیه عمومی، صاحب کار باید برای رفت و برگشت کارکنان خود وسیله نقلیه مناسب در اختیار آنان قرار دهد".

اما متأسفانه کارفرمایان هزینه "وسیله نقلیه مناسب" را هزینه "نالازم" تلقی می‌کنند و از تهیه وسایل نقلیه مناسب سر باز می‌زنند. اما تصادفات جاده‌ای، تنها حوادثی نیستند که جان و سلامت کارگران را به خطر می‌اندازند.

طبق آمار سازمان جهانی کار، هر ۱۵ ثانیه، یک کارگر، بر اثر حوادث یا بیماری‌های ناشی از کار می‌میرد. هر ۱۵ ثانیه ۱۵۳ کارگر دچار حادثه کاری می‌شوند. در حالی که طبق تحقیقات ۹۸ درصد حوادث در صورت وجود لباس‌ها و ابزار مناسب کار، بازرگانی‌های دقیق و آموزش‌های لازم قابل پیشگیری هستند.

این میانگین آمار جهانی است، اما در کشورهایی مانند ایران وضعیت وخیمتر است. کشورهایی که دولت بر همان حداقل قوانین مربوط به ایمنی در محیط کار نظارت دقیق و مناسبی ندارد. حوادث بخش ساختمان، همواره در رأس اخبار سوانح کاری قرار دارد. نگاهی به آمار این بخش، برای درک ابعاد فاجعه کافیست. در حالی که آمار جهانی ۱۷ درصد است، آمار ایران به گفته مقامات رسمی در حدود ۵۰ درصد است. حوادثی که روزانه به مرگ و مصدومیت و معلولیت تعدادی از کارگران می‌انجامند.

در نظام سرمایه‌داری، تنها انگیزه‌ای که سرمایه‌داران را به سرمایه‌گذاری وامی‌دارد کسب سود و افزایش آن به شیوه‌های مختلف است. یکی از این شیوه‌ها، حداًکثر صرفهجویی در هزینه‌های مربوط به ایمنی و سلامت کارگران

است. از نظر سرمایه‌داران هزینه‌های این بخش، هزینه سربار تلقی می‌شود. اگر در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری مبارزات کارگران و وجود سندیکاهای کارگری مانع بزرگی بر سر راه سرمایه‌داران در عدم رعایت موارد ایمنیست، اما در ایران، کارفرمایان فارغ از چنین قید و بندهایی با همdestی دولتی که به بازرسی ایمنی محیط‌های کار اهمیتی نداده و بر کمبودها چشممی‌بندند، ایمنی کارگران را به هیچ گرفته و این کارگران‌اند که توان سودجویی کارفرمایان و دولت حامی آنان را با جان و سلامت خود می‌پردازند. با وجود این، هر زمانی که سخن از علی بروز حوادث کاری است، بر "عامل انسانی" و "عدم وجود فرهنگ ایمنی" تکیه می‌شود. حتا زمانی که در کارگاه یا کارخانه‌ای حوادث کار به فاصله چند هفته یا چند ماه تکرار می‌شوند. در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد موارد این کارگران‌اند که مسئول بروز حوادث شناخته شده و کارفرما از پاسخگویی مصون می‌مانند.

پس اغراق نیست اگر اکثر حوادث کاری در ایران، قتل‌عمدی کارگران نامیده شود. گذشته از آن در ایران، هنوز آمار دقیقی در مورد مرگ و میرهای مرتبط با بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از کار وجود ندارد. اگر به این موارد، آمار حوادث بخش غیررسمی اقتصاد را نیز بیفزاییم، ابعاد فاجعه چند برابر می‌گردد.

آنچه وضعیت را باز هم وخیمتر می‌کند آن است که در بسیاری موارد، مرگ کارگر همراه باز دست رفتن نان‌آور خانواده همراه می‌شود. یعنی خانواده‌های کارگر در فقر باز هم بیشتری فرو می‌روند. در صورت معلولیت و نقص عضو اوضاع از این هم بدتر می‌شود، زیرا مخارج پزشکی و دارویی هم به هزینه خانواده‌ای افزوده می‌شود که دیگر نان‌آورش قادر به کار نیست. در حال حاضر، بیش از ۸۰ درصد قراردادهای کار کشور موقتی و خارج از ضوابط قانون کار است، یعنی صدها هزار کارگر فاقد بیمه در صورت بروز حوادث کار، از همین حمایت‌های ناچیز بیمه‌ای یا دولتی محروم‌اند. گرچه با توجه به

وضعیت بیمه و امکانات پزشکی دولتی در ایران، حتا کارگرانی هم که تحت پوشش بیمه قرار دارند، در صورت نقص عضو و معلولیت با چنان مشکلات پزشکی و مالی روبرو می‌شوند که در بسیاری از موارد خانواده‌ها یشان را متلاشی می‌کند. گزارشات در این زمینه نیز به وفور در رسانه‌ها یافت می‌شود.

کارگران با وجود آگاهی به خطرات به علت نبود امنیت شغلی تحمل شرایط نامن را بر بیکاری ترجیح می‌دهند. این همه با وجود سرکوب و منوعیت سندیکاهای کارگری است. تشکل هایی که در صورت فعال بودن می‌توانند از حق زندگی و سلامت کارگران دفاع کنند و کارفرمایان و دولت را وادارند اینی در محیط کار را تأمین و رعایت کنند.

اگر بروز درصدی از حوادث کاری اجتناب‌ناپذیر است، اما دلیلی وجود ندارد که پس از بروز این حوادث کارگران و خانواده‌هایشان با فقر و فلاکت روبرو شوند.

از این‌رو، به جز برقراری کنترل کامل و سازمان یافته بهداشتی بر اینمی کلیه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، لازم است یک سیستم تأمین اجتماعی فراگیر برقرار شود، بیمه بیکاری، سوانح، نقص عضو، جراحت، کهولت، فرسودگی، امراض ناشی از حرفة و از کارافتادگی وضع شود و در صورت بیکاری یا از کارافتادگی حقوق مکفی به کارگران و خانواده‌هایشان پرداخت شود. علاوه بر آن کارگران به خدمات درمانی و بهداشتی رایگان دسترسی داشته باشند.

تأمین و دسترسی کارگران و زحمتکشان به چنین امکانات رفاهی تنها با اتحاد و عضویت در سندیکاهای کارگری امکان پذیر است.

امیر لنگرودی کارگر میل لنگ تراش

جامعه‌ی مدنی چیست؟



جامعه‌ی مدنی مجموعه‌ی نهادها، انجمن‌ها و تشکل‌های اجتماعی است که وابسته به دولت و قدرت سیاسی نیستند، ولی نقش تعیین‌کننده‌ای در صورت بندی قدرت سیاسی دارند. جامعه‌ی مدنی وقتی قوام می‌یابد که نه تنها از قدرت سیاسی استقلال داشته و خود مختار باشد، بلکه بر نهادهای دولت نیز اعمال قدرت یا نفوذ کند. جامعه‌ی مدنی بر طبق تعریف، می‌باید حاوی مجموعه‌ای از حوزه‌های عمومی خودمختار باشد که در درون آن‌ها، انجمن‌ها و نهادهای جامعه‌ی مدنی بتوانند به امور خود سر و سامان بدهند و منافع اعضای خود را پاس دارند. به طور کلی می‌باید میان عامه‌ی مردم و نهادهای جامعه‌ی مدنی از یک سو و میان جامعه‌ی مدنی و دولت از سوی دیگر رابطه‌ی اندام وار وجود داشته باشد تا دموکراسی ممکن گردد.

به بیان دیگر، جامعه‌ی مدنی جامعه‌ای است متشکل از گروه‌های ارادی، داوطلبانه، مستقل و خودگردان که با هدف پیشبرد منافع، علائق و سلیقه‌های افراد عضو تشکیل می‌شوند. این گروه‌ها می‌توانند شکل صنف، اتحادیه، باشگاه، انجمن، سازمان‌های غیر دولتی یا غیر حکومتی، حزب، سندیکا، و مؤسسات رسانه‌ای از قبیل ناشران، مطبوعات، رادیوها و تلویزیون‌های مستقل را پیدا کنند.

مجموعه‌ی این گروه‌ها بر اساس قواعد و مقررات مشخص، شفاف و روش در شبکه‌ای از روابط مبتنی بر روح مسالمت‌جویی، اخلاق مدنی، مدارا و تساهل، همزیستی و همکاری با یکدیگر به حیات خویش ادامه می‌دهند.

تفاوت اعضای این تشكّل‌ها با دیگر افراد آن است که هویت سازمانی مشخصی پیدا کرده‌اند و این هویت همچون حافظ و نگهدارنده‌ای برای آن‌ها عمل می‌کند. فرد انسانی که با پرتاب شدن به عالم خاک احساس بی‌پناهی و تنهایی می‌کند به جای پناه بردن به اربابان، زورمندان، و دارندگان قوای قهریه به یک تشكّل اجتماعی پناه می‌برد. از همین جهت مطالبات اعضای این گروه‌ها شکل جمعی پیدا می‌کند و با دیگر مصالح و منافع اجتماعی پیوند می‌یابد. گروه در اینجا به صورت نیرویی برای بیان خواسته‌ها عمل می‌کند.

تشكّل‌های جامعه مدنی بر اساس نوعی توافق و قرارداد میان اعضا شکل می‌گیرند و چیزی بیرون از این قرارداد بر آن حاکم نیست. بدین ترتیب اعضای آن صرفاً از جهت دارا بودن وجه مشخصه‌ای که آن تشكّل را تعریف می‌کند به عضویت این تشكّل در می‌آیند و نه چیزی غیر از این. این امر باعث می‌شود که این تشكّل‌ها از یک ویژگی عرفی و عادی برخوردار شوند و جریان طبیعی امور به جای رخدادهای استثنایی و افراد استثنایی بر آن حاکم شود. در این حال دیگر نسبت خاص فرد با دیگر گروه‌ها و افراد دارای اعتبار اجتماعی یا نسبت خاص با امور ماوراء الطبيعی موجب ایجاد شانی خاص و اعتباری خاص نمی‌شود. به عنوان مثال در صنف قصابان، یک قصاب با ادعای ارتباطی خاص با یک منبع غیبی یا ارتباط با یک مرجع قدرت نمی‌تواند بیش از دیگران قصاب باشد و شان خاصی در میان اعضای صنف پیدا کند. برای حرکتی هم افزا و سیستماتیک در دفاع از حقوق انسانی و عدالت اجتماعی به سازمان‌های مردم نهاد بپیوندیم.



سرما سخت سوزان است و هوا بس ناجوانمردانه سرد است. کودکانمان را دریابیم



«برای برخوردار شدن از حقوق بشر به هیچ چیزی غیر از انسان بودن نیازی نیست. تنها کافی است کسی انسان متولد شده باشد.»

حقوق بشر، انسان را تنها به اعتبار اینکه انسان است، دارای حقوق و آزادی‌هایی می‌شناسد که همه‌ی انسان‌ها، به طور برابر و بدون هیچ تبعیضی باید از آن بهره‌مند گردند. هر فرد انسانی می‌تواند بدون هیچ‌گونه تبعیضی، بهویژه از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، عقیده‌ی سیاسی یا هر عقیده‌ی دیگری، و همچنین موقعیت اجتماعی، ثروت، نوع ولادت یا هر وضعیت دیگر، از تمام حقوق و همه‌ی آزادی‌های حقوق بشری به طور برابر بهره‌مند گردد.

در واقع، حقوق بشر استانداردی است برای فرموله کردن زندگی اجتماعی به نحوی که عدالت، آزادی، کرامت (حیثیت) انسانی و منافع انسان در روابط اجتماعی بدون تبعیض و به طور منصفانه برای همه تأمین شود.

به عبارت دیگر، حقوق بشر، ادعاهای فرد انسانی در برابر دولت می‌باشد.

در نهایت اینکه؛ حقوق بشر یعنی: همه‌ی حقوق برای همه. همچنین نباید فراموش کرد که، چشم پوشیدن از حقوق بشر بیش از آنکه منطقاً غیرممکن باشد، از لحاظ انسانی ویرانگر است.

فرشید هکی دکتر در حقوق

محدودیت کار سندیکا



سندیکای کارگران فلز کار مکانیک
تأسیس ۱۳۳۹
ثبت وزارت کار ۳۴
بازگشایی ۱۳۸۴

همانطوری که می دانیم مبارزه دسته جمعی کارگران از طریق سندیکا و اتحادیه ها اساسن به دور محور خواست های اقتصادی صورت می گیرد ، یعنی اینکه بتوانند نیروی کار خود را با قیمت بالاتر و شرایط بهتری به سرمایه داران بفروشند . در حالی که طبقه ی کارگر برای رهائی قطعی از برهه کشی راهی جز بdst گرفتن قدرت سیاسی و الغاء مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و محو نظام سرمایه داری ندارد .

لازمه ی رسیدن به این هدف نهایی تلفیق تجربیات جنبش کارگری با اندیشه ی علمی است . مجهر شدن کارگران به دستاوردهای اندیشه ی علمی فقط از طریق مطالعه و پیوند با عناصر انقلابی که ، برای رهائی کارگران و نابودی استثمار مبارزه می کند ، میسر است .

مبارزه ی طبقه ی کارگر بخودی خود در حد مبارزه ی اقتصادی و سندیکائی باقی می میاند . با نُردن آگاهی سیاسی و طبقاتی به درون طبقه ی کارگر باید این مبارزه را تا سطح مبارزه ی سیاسی ارتقاء داد اما طبقه ی کارگر برای شرکت در مباره ی سیاسی و رسیدن به خواست نهائی و نابودی استثمار باید

برای فراهم کردن شرایط بهتر برای کار و زندگی ش ، در سندیکا و اتحادیه که در برگیرنده تمامی کارگران با هر نوع فکر و عقیده می باشد فعالیت کند و از این مکتب درس‌های تشکیلاتی و سازماندهی مبارزاتش را بیاموزد تا در مبارزه‌ی سیاسی و طبقاتی خود از آن بهره برداری کند.

دوستان کارگر ، ضعف فعالیت‌های صنفی و سیاسی که ناشی از سلطه‌ی دیکتاتوری وابسته به امپریالیسم در میهنمان بوده و (هست) باعث کم تجربگی طبقه کارگر در مبارزه اش شد . اما طبقه کارگر با شرکت مؤثرش در انقلاب بهمن ۵۷ تشكل و دانش مبارزاتی ش را تا حد زیادی گسترش داد.

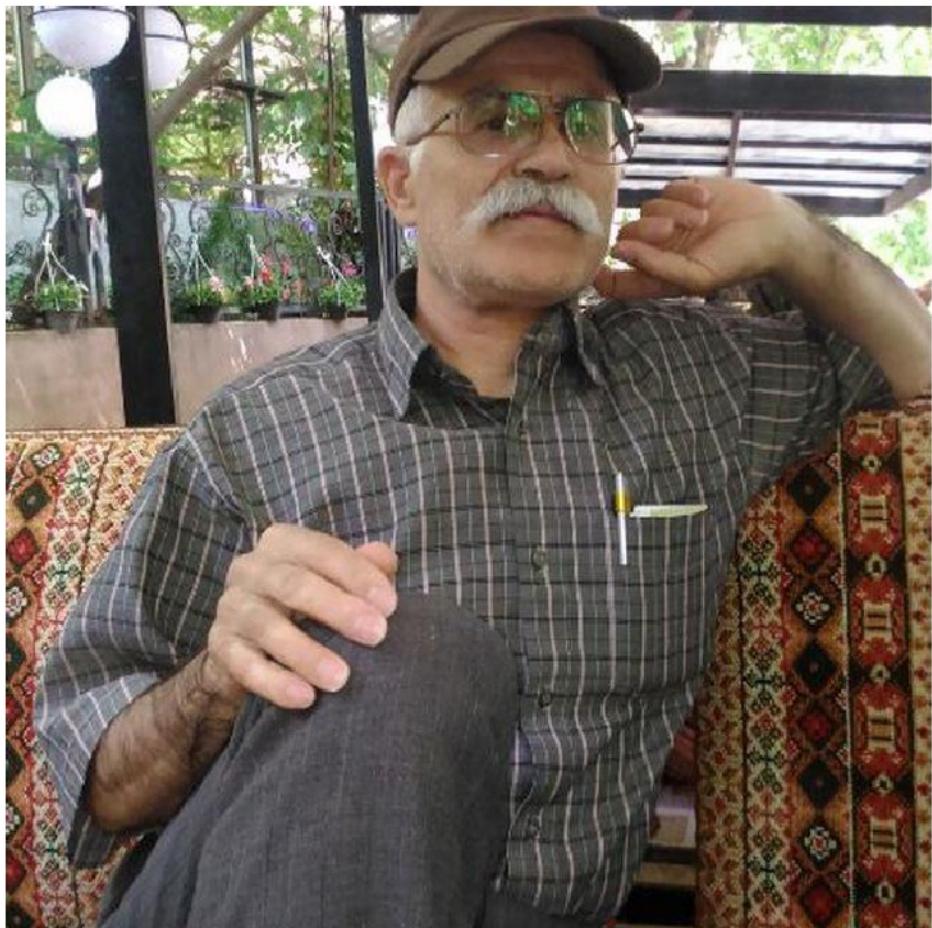
با وجود این ، مسائل مبرم و زیادی در برابر جنبش کارگری قرار دارد ، ما مطمئنیم با گسترش تشكل ، آگاهی طبقاتی کارگران و روز به روز مستحکم تر شدن پیوند بین کارگران و نیروهای انقلابی شاهد پیروزی‌های روز افزون طبقه‌ی کارگر میهنمان خواهیم بود.

سخت تر بکوشیم و در تلاشمان برای رسیدن بخواست‌های حق طلبانه مان از پا ننشینیم.

فرستنده : آرمان کارگری

سندیکاهای کارگری محل آموزش و پرورش کارگران برای مبارزه نهایی است. کارگران در سندیکاهای کارگری با فن مبارزه ، انصباط، آشنا شده و به کارگرانی کارآزموده تبدیل می شوند.

فضیلت



دو تا کارگر گرفته بودم و اسه اثاث کشی. گفتن ۴۰ تومن من هم چونه زدم کردمش ۳۰ تومن. بعد پایان کار، توی اون هوای گرم سه تا ۱۰ تومنی دادم بهشون. یکی از کارگرا ۱۰ تومن برداشت و ۲۰ تومن داد به اون یکی.

گفتم: مگر شریک نیستید؟! گفت: چرا ولی اون عیالواره، احتیاجش از من بیشتره.

من هم برای این طبع بلندش دوباره ۱۰ تومان بهش دادم. تشکر کرد و دوباره ۵ تومان داد به اون یکی و رفتن.

داشتم فکر میکردم هیچ وقت نتونستم اینقدر بزرگوار و بخشنده باشم. اونجا بود که یاد جمله زیبایی که روی پل عابر خونده بودم افتادم:

« بخشیدن دل بزرگ میخواسته توان مالی »

« همه میتوانن پولدار بشن اما همه نمیتوانن بخشنده باشن »

« پولدار شدن مهارتی اما بخشنگی فضیلته »

« همه میتوانن درس بخونن اما همه فهمیده نیستن، باسرواد شدن مهارتی اما فهمیدگی فضیلته »

« همه بلدن زندگی کن اما همه نمیتوانن زیبا زندگی کنن »

« زندگی عادتی اما زیبا زیستن فضیلت »

فرستنده حمید شرقی کارگر فلزکار



من از پایان دنیا نمی ترسم، از این میترسم که
دنیا بدون هیچ تغییری ادامه یابد!!

عدنان بزرگ مرد کوچک



عدنان متولد مهاباد است کلاس هشتم می خواند عدنان یک قهرمان واقعی است او پدرش در بستر بیماری است و سرطان دارد.

عدنان می گوید ما سالها پیش برای اینکه پدرم در کارخانه کار کند به تهران آمدیدم الان مریض شده نمی تواند کار کند شیمی درمانی می کند.

عدنان کار می کند و او با دستهای کوچکش بساط واکسی دارد.

هر بار که به میدان ترہ بار شهرداری می روم در سرمای سخت زمستان در آفتاب سوزان تابستان در جلوی در نشسته است. هر بار من را می بیند با آن

لهجه زیبای مهابادیش به من روز بخیر می گوید: "روز باش داده خوشی"

عدنان الان نان آور خانواده است او هر روز ساعتها کار می کند و درس هم می خواند.

یک بار خواستم به او کمک پولی کنم خیلی ناراحت شد و گفت: "داده من سوال که ر نیم"(من گذا نیستم). خیلی شرمنده شدم اصلا نمی دانستم چه بگوییم؟

عدنان یک قهرمان است او الگوی یک فرزند کار و زحمت است

عدنان ها زیادند آنها را ببینم. آنها قهرمان حرمت و عزت نفس هستند.

کشاورز نمونه

کشاورزی برنده تولید برتر شناخته شد و جایزه‌ی بزرگ جشواره کشاورزی را دریافت کرد. او هر سال در این جشنواره‌ی کشوری شرکت می‌کرد و به عنوان یکی از بهترین کشاورز‌های نمونه برگزیده می‌شد.

روزی روزنامه‌نگاری با او مصاحبه‌ای انجام داد تا راز موفقیتش را بداند. هنگام گزارش، روزنامه‌نگار پی برده که او هر سال، مقدار قابل توجهی از محصولاتش را بین همسایه‌ها تقسیم می‌کند تا آنها برای کاشت خود از آن استفاده کنند. روزنامه‌نگار که از عمل این کشاورز، بسیار متعجب شده بود، از او پرسید: « تمامی این افراد، رقیب شما هستند و شما برای کاشت محصول خوب، به آنها بهترین بذر خود را می‌دهید ..! چرا؟ »

کشاورز گفت: « چرا ندهم ..! مگر نمی‌دانید باد، گرده‌ها را از مزرعه‌ای به مزرعه‌ی دیگر پخش می‌کند. اگر همسایه‌های من، محصول نامرغوبی به عمل آورند در آن صورت بر اثر گرده‌افشانی ، کیفیت محصول من نیز پایین می‌آید؛ اما اگر من در رشد کیفیت محصول همسایه‌هایم تلاش کنم، به بهبودی کیفیت محصولات خودم هم کمک کرده‌ام؛ در واقع این، بزرگترین خدمت به خودم است. »

نگاه و اندیشه‌ی این کشاورز را میتوان به دیگر ابعاد زندگی نیز تعمیم داد:

اگر صلح و آرامش را دوست داریم باید برای صلح و آرامش دیگران قدم برداریم. اگر در شهر و کشور من صلح برقرار نباشد، چگونه می‌توانم در محله و خانه من آرامش برقرار باشد. اگر آسایش خودم را دوست دارم باید برای زندگی همکارانم نیز آسایش فراهم کنم. چون همکاران آسیب دیده نمی‌توانند به من کمک کنند. اگر می‌خواهیم خوش‌بخت زندگی کنیم باید برای خوش‌بختی دیگران تلاش کنیم...»

زنی ایستاده با عشق

نام این "معلم فدآکار" را به خاطر بسپاریم: "ثريا مطهرنیا"



او ۲۲ سال است که در دورترین و محروم‌ترین روستاهای کشور هم درس خواندن و نوشتند می‌دهد و هم درس انسانیت.

او می‌گوید:

من کار با بچه‌های محروم روستا را با هیچ چیز عوض نمی‌کنم، این بچه‌ها به من نیاز دارند. اوایل خدمتم در روستای دورافتاده یاسوکند حسن‌آباد یاسوج تدریس می‌کردم که هیچ‌کدام از مردمش فارسی بلد نبودند، من هم ترکی نمی‌دانستم و برقراری ارتباط میان ما تقریباً غیرممکن بود.

اما بچه‌ها به معلم نیاز داشتند و من سعی می‌کردم با ایما و اشاره به آنها تدریس کنم. اما چون نمی‌شد این وضع را ادامه داد شبها از روی کتاب، زبان ترکی یاد می‌گرفتم و بتدریج به این زبان مسلط شدم.

من پنج سال در یاسوکند ماندم و تصمیم گرفتم اوضاع نابسامان مدرسه را سروسامان بدهم. این مدرسه هیچ امکاناتی نداشت، حتی سرویس بهداشتی. با اولیای دانشآموزان صحبت کردم و از اهمیت مدرسه و سواد برایشان گفتم و توضیح دادم که اگر کمک کنند مدرسه سروسامان بگیرد این پول برای آینده بچه‌هایشان خرج شده و هدر نرفته. کمک اعتماد مردم به من جلب شد و با کمک آنها برای مدرسه سرویس بهداشتی و سه کلاس درس ساختیم.

بخشی از مصاحبه با جامجم‌آنلاین

«ثريا مطهرنيا»، معلم بیجاری به عنوان معلم فداکار کشور شناخته شد.

او به‌واسطه شناسایی و حمایت و تأمین هزینه درمان ۹۰ دانشآموز بیمار، شناسایی ۲۲۰ دانشآموز بی‌بصاعت و پرداخت ۶۰ مورد کمک هزینه، پیگیری ۴۲ مورد جراحی فوق‌شخصی برای دانشآموزان تا انجام کامل درمان و تحت پوشش قرار دادن دانشآموزان نیازمند جراحی‌های ترمیمی استان کرستان؛ به عنوان معلم فداکار معرفی شد.



آزاده شمس : راننده ماهر و شجاع تریلر اسکانیا .. خط تهران _ بوشهر

سختی های این کار بخصوص برای زنان زیاد است . هنوز خیلی از رانندگان مرد نمی خواند باور کنند که ما زنان هم می توانیم مانند آنان و حتا بهتر از مردان رانندگی و سختی های این کار را تحمل کنیم . اما هستند رانندگان مردی که همیشه مانند برادری مهربان در مشکلات رانندگی کمک حالم هستند . درود برو او و همتش .

به خاطره دکتر پروانه وثوق



وارد بخش که می شدی سمت چپ دفتر کارش بود. آنقدر بی تکلف برخورد می کرد که فکر می کردی اشتباہ گرفته ای. کم نبودند کسانی که به خاطر جایگاه فاخر علمی اش، انتظار داشتند با شخصی عبوس و دیریاب مواجه شوند اما در دیدار اول بعثت زده می شدند. بسیار ساده و زلال بود. هرگز از بالا نگاه نمی کرد. یکی از دانشجویان تعریف می کرد که وقتی قرار بود برای سمیناری به بارسلون برود از او و سایر دانشجوهایی که تاکنون پایشان را بیرون از وطن نگذاشته بودند پرسیده بود هتل مناسب در بارسلون و نزدیک به محل سمینار کجاست؟ بچه ها هم در اینترنت گشته و جایی را معرفی کرده بودند. خودش بود با جثه ای کوچک و جهانی بزرگ. ساکنان قدیمی خیابان ظفر مخصوصاً آنها که سحرخیز بودند شاید او را با فولکس قورباغه ای آبی آسمانی اش به خاطر بیاورند. از سال ۱۳۵۰ که به ایران آمد آن فولکس را خرید و تا سال ۱۳۸۳ - همان سالی که در شهرهای بزرگ به فولکس، برگه معاینه فنی ندادند. از همان استقاده می کرد. باورتان می شود؟ اولین پرسفسور بیماریهای سرطان و خون کودکان سی و سه سال فولکس داشت.

انگار این چیزهای دنیای ما برایش ترجمه نشده بود. عاشق گل و گیاه بود. هر روز با وسوسه به با غچه منزل پدری می‌رسید. روزانه به تعداد زیادی گربه گرسنه در با غچه اش غذا می‌داد. حواسش به پرندگان آسمان هم بود و غذای آنها را هم می‌گذاشت. اطرافیانش می‌گفتند با غچه اش مأمن حیوانات گرسنه است.

بسیار کم سخن می‌گفت چنان که گاه فکر می‌کردی به عمد می‌خواهد شناخته نشود. خانواده هایی که کودکان مبتلا به سرطانش را برای درمان به خارج از کشور می‌بردند معنای این سخن را به نیکی در می‌یابند. خارجی‌ها حیرت زده از این پدر و مادرها می‌پرسیدند که با وجود دکتر و ثوق شما به اینجا آمده اید؟ وجودش وقف کودکان مبتلا به سرطان بود. هرگز از سر و کله زدن با کودکانِ کلافه و در دمدمِ مبتلا به سرطان، خسته نشد.

از خاطر نمی‌برم روزی دختر کوچولوی بیماری از او اسمش را پرسید. دکتر وثوق گفت من پیرم... به من بگو پیر. نزدیکانش هم او را به این اسم صدا می‌کردند. به خرید یا به سفر که می‌رفت بارش پر از شکلات و غذاهای مورد علاقه کودکان بود. هشت سال در آمریکا- از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۰- تا پایان دوره فوق تخصصی خون و انکولوژی کودکان ماند و از نظر علمی در همانجا هم سرآمد شد. هر کاری کردند آنجا بماند، نماند و به وطن بازگشت. اقامت آمریکا را داشت ولی انگار برایش مهمتر بود تا مقیم دلهای کودکان این آب و خاک باشد.

زیر میزی که هیچ، اهل روی میزی هم نبود. انگار ساخته شده بود تا بی دریغ و نامشروع عشق بورزد. تا آخرین ساعت شب قبل از پرکشیدنش، در مطب، مریض دید. هرگز ازدواج نکرد و طعم مادر شدن را نچشید اما اگر مادرانگی و عشق در جامعه پزشکی ما معنا و مسامی دارد به خاطر آنست که او و کسانی چون او زمانی در زمین ما زیسته اند. سلوک او معیار ملموسی برای اخلاق پزشکی در روزگار ماست. انگار به این جهان آمده بود تا "محک" بزند اخلاقمن را و ادعاهایمان را!!... دکتر پروانه وثوق از پیله این روزگار بدر آمده بود. **یادش جاودان.** دکتر حمیدرضا نمازی

وزیرکار: بیمه اجتماعی فراگیر در راه است!!

هر و عده که دادند به ما باد هوا بود

هر نکته که گفتند غلط بود و ریا بود

چوپانی این گله به گرگان بسپردند

این شیوه و این قاعده ها رسم کجا بود ؟

رندان به چپاول سر این سفره نشستند

اینها همه از غفلت و بیحالی ما بودا!

خوردن و شکستند و دریدند و تکاندند

هر چیز در این خانه بی برگ و نوا بود

گفتند چنینیم و چنانیم دریغا...

اینها همه لالایی خواباندن ما بودا!

ایکاش در دیزی ما باز نمی ماند

یا کاش که در گربه کمی شرم و حیا بود!!!!!!

ایرج میرزا

کنگره جهانی زنان کارگر

کنگره جهانی زنان کارگر عضو فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در قبرس



کنگره جهانی زنان کارگر فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری در پروفولیای لارناکا، به میزبانی فدراسیون اتحادیه‌های کارگری قبرس با موفقیت آغاز شد. در روز اول کنگره، دبیرکل فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری، جورج ماوريکوس و مدیرکل فدراسیون اتحادیه‌های کارگری قبرس، پامبیاس کیرتسیس، در کنگره سخنرانی کردند. شرکت کنندگان در کنگره، نمایندگان زن از ۲۷ کشور جهان و ۴۵ کنگره پیوسته به فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری حضور داشتند. موضوع اصلی کنگره توسط «نیمکو مکاندا»، معاون دوم فدراسیون جهانی سندیکاهای کارگری از آفریقای جنوبی ارائه شد.

در عصر همانروز، فدراسیون اتحادیه‌های کارگری قبرس تظاهرات عظیمی را در خیابان‌های لارناکا سازمان داد؛ که تمام نمایندگان از نقاط مختلف جهان در آن شرکت کردند و جشن سیاسی- فرهنگی با موسیقی سنتی زیبایی نیز ترتیب داده شد.

پروانه کاظمی ، فاتح اورست



پروانه کاظمی بانوی هیمالیا نورد ایرانی پس از ۵۲ روز موفق به فتح قله ۸۸۴۸ متری اورست شد. و پس از یک هفته دومین قله بلند جهان را نیز فتح کرد. کاظمی پیش از این نیز به عنوان اولین بانوی ایرانی به قله هشت هزار متری ماناسلو صعود کرده بود. این بانوی کوهنورد کشورمان انفرادی و با هزینه شخصی برای صعود به اورست اقدام کرد. او موفق شد به عنوان سومین زن ایرانی و اولین بانوی هیمالیا نورد ایرانی که به طور مستقل اقدام به این صعود کرده است ، به بام جهان دست یابد.





از شیخ بهایی پرسیدند؟
 ای شیخ!! خدا را کجا یافته؟
 فرمود: من خدا را در قلب کسانی دیدم که بی هیچ توقعی،
 مهربانند...

انسان که غرق شود قطعاً می میرد؛ چه در دریا، چه در دروغ،
 چه در گناه، چه در خوشی، چه در قدرت، چه در جهل، چه در انکار، چه در
 حسد، چه در بخل، چه در کینه، چه در انتقام و... .

انسان بودن، خود به تنها یی یک دین خاص است ، که پیروانش اندک اند . . .!

